۱۷۰
شماره ۱۷۰ مرداد ـ شهریور ۱۳۹۶
www.pccus.org
ISSN: 1557 623X

پیک

نشریه کانون فرهنگی ایرانیان

- دشمنی با دانش و دانشمند
- اخبار کانون
- زیر نور مهتاب «تسویه فرهنگی»
- معرفی و نقد کتاب بنی آدم
- بخوان بنام گل سرخ «باد از زبان برگ، برگ از زبان باد»
- هابیل و قابیل«سیاست خارجی هر دمبیل»
- بررسی فیلم سینمایی «...اآدت نمی کنیم»
- گزارش گِردهمایی سالانه کانون فرهنگی ایرانیان
- شاعری که عکاس شد

مدرسه ایرانیان سن دیگو
Iranian School of San Diego

آگهی ثبت نام سال ۲۰۱۸ - ۲۰۱۷

شعبه اول یکشنبه بیست و هفتم آگوست ۲۰۱۷
شعبه دوم پنجشنبه سی و یکم آگوست ۲۰۱۷

پیک ۱۷۰
نشریه کانون فرهنگی ایرانیان
هر دو ماه یکبار منتشر می شود
تلفن: ۹۳۵۵ـ۵۵۲ (۸۵۸)
فکس و پیغام: ۷۳۳۵ـ۳۷۴ (۶۱۹)
www.pccus.org
شماره ۱۷۰ مرداد ـ شهریور ۱۳۹۶
تیراژ ۶۰۰۰

کانون فرهنگی ایرانیان
یک سازمان غیر انتفاعی، غیرسیاسی و غیر مذهبی است که در سال ۱۹۸۹ در سن دیگو ـ کالیفرنیا تاسیس شده است.

اعضای هیات مدیره
نیکو عاطفی،حمید رفیع زاده،فرشاد باباخانی،
فریبا باباخانی ـ قاضی، مرجان دوستدار ، ونوس صفایی
گیتی نعمت اللهی، محمود رضا پیروزیان،
فریده رسولی ـ فاضل و گلسا ثریا

شورای نویسندگان
رضا خبازیان، شهری استخری، شهرزاد جولازاده،
شقایق هنسن، آناهیتا بابایی، آریا فانی،
سعید نوری بوشهری، لیسا هیلدرت، راشل تیت

سردبیر: علی صدر

طراحی و گرافیک: سعید جـلالی

مدرسه ایرانیان سن دیگو ـ تاسیس ۱۹۸۸
وابسته به کانون فرهنگی ایرانیان
روزهای یکشنبه از ساعت ۹/۵ تا ۱ بعد ازظهر در
Mt. Carmel High School
9550 Carmel Mtn. Rd
روزهای پنجشنبه از ساعت ۶ تا ۸ بعد از ظهر در
Mt. Carmel High School
9550 Carmel Mtn. Rd
فکس و پیغام: ۷۴۰۷ـ۳۷۴ (۶۱۹)
madreseh@pccsd.org
www.issd.pccsd.org
بنیاد ایرانیان ـ سازمان خیریه
وابسته به کانون فرهنگی ایرانیان
تلفن: ۹۳۵۵ـ۵۵۲ (۸۵۸)
فکس و پیغام: ۷۳۳۵ـ۳۷۴ (۶۱۹)
کلیه حقوق و مزایای این مجله برای کانون فرهنگی ایرانیان سن دیگو محفوظ است.
چاپ و پخش دوباره مطالب مندرج در این مجله بدون اجازه کتبی کانون ممنوع است.
توجه:
مسئولیت مطالبی که با امضای نویسنده درج شده است با خود نویسنده است.
شورای نویسندگان در چاپ و یا عدم چاپ مطالب رسیده اختیار تام دارد.

طرح روی جلد: سعید جلالی

یادداشت

علی صدر

دشمنی با دانش و دانشمند

نفی دانش و دانشمند پدیده های جدیدی نیستند و در تمام طول تاریخ بشری وجود داشته است. آوردن ایده ها، تئوری ها و شواهد برای شناخت محیط و بهبود شرایط زندگی، باعث ترس و وحشت کسانی می شده و می شود که منافع خود را در خطر می بینند. این منافع چه از لحاظ ایدئولوژیکی و اعتقادی و چه از لحاظ اقتصادی، فرق زیادی با هم ندارند. در جایی که چنین افراد و گروه هایی بر مسند حکومت سوارند، با هر امکانی که در دست دارند به مقابله با دانش و دانشمند می پردازند. تا چند صد سال پیش دانشمند را به عنوان جادوگر در آتش می سوزاندند. اگر در آن زمان دشمنی با علم توسط کلیسا ـ که موجودیت مطلق خود را در خطر می دید ـ هدایت می شد، امروز برای حفظ منافع کمپانی های بزرگ این کار شکل می گیرد و از مذهب و اعتقادات مردم استفاده می شود.

از روی کار آمدن رژیم جدید در واشنگتن شش ماه می گذرد. در این شش ماه نشان داده شده که با یکی از واپسگراترین حکومت های تاریخ معاصر غرب روبرو هستیم. نکاتی که آقای ترامپ به عنوان شعار انتخاباتی ارائه می داد آن قدر خارج از نورم و زمان بود که کمتر انسان آگاهی آن را جدی می گرفت. ولی با روی کار آمدن ایشان آن شعارها به خط مشی دولت بدل شده اند. اوایل عده ای بر این باور بودند که واقعیات سیاسی و اجتماعی باعث تعدیل این افکار ارتجاعی می شود ولی زمانه نشان داد که نه تنها تعدیلی در کار نیست بلکه اکثریت کنگره و احیانا سوپریم کورت هم با ایشان همداستانند.

در کشورهای جهان سوم چنین چرخش هایی غیر قابل تصور نیست. در بسیاری از این کشورها بعد از کودتاها و انقلاب ها یکی از اولین کارهای کسانی که کرسی قدرت را به دست می گیرند مقابله با آگاهی، دانش، آگاهی دهندگان، دانشمندان، و روشنفکران است که آن را از طریق قلع و قمع مستقیم و با «انقلاب فرهنگی» و بستن دانشگاه ها انجام می دهند. وقوع این پدیده در کشوری نظیر آمریکا که اقلا در هفتاد سال گذشته مهد دانش و پژوهش بوده و دستاوردهای فراوان آن باعث بهبود شرایط زندگی، سلامت، بهداشت، و رفاه شده و بسیاری از دانشمندان و محققین از کشورهای دیگر را هم مامن داده است، بعید به نظر می رسید. به هر حال همان طور که اطلاع دارید یکی از نمودهای اولیه این طرز تفکر واپسگرای دولت جدید، رد نظر قریب به اتفاق دانشمندان درباره گرمایش زمین و شیوه های مقابله با آن و حفظ محیط زیست بوده است. نتیجه مستقیم آن هم خروج رسمی از توافقنامه پاریس بود که در سراسر جهان به عنوان حرکتی ابلهانه برآورد شد. چرا که همه کشورهای جهان غیر از دو کشور به آن تعهد داده اند: نیکاراگوئه که آن را کافی نمی دانست و خواستار توافقی ریشه ای تر بود و سوریه که آن قدر گرفتاری دارد که حفظ محیط زیست برایش اولویتی ندارد. این که این حرکت چه تاثیر مستقیمی داشته باشد هنوز معلوم نیست. تاکنون حدود هشتاد شهر بزرگ آمریکا و چند ایالت از جمله کالیفرنیا اعلام کرده اند که خود را مقید به توافقنامه پاریس می دانند و کاری به دولت فدرال ندارند.

این یکی از نمونه های دشمنی با دانش این رژیم است. برنامه بودجه پیشنهادی دولت برای سال آینده بیانگر نمونه دیگر آن است. در این بودجه بیش از چهار صد و پنجاه بیلیون دلار افزایش بودجه نظامی را قرار است از محل کسر بودجه ناسا و از میان برداشتن سازمان هایی نظیر NIA و NIH که به ترتیب ارگان های دولتی حمایت از «هنر» و «پژوهش های انسانی» هستند و سازمان های نظیر آن تامین شود. بودجه های تحقیقاتی دانشگاه ها قطع و یا کم شده، بسیاری از پروژه های تحقیقاتی و علمی در میانه راه متوقف شده اند. راه برای دانشجویان و پژوهشگران خارجی ـ که در دهه های اخیر نقشی اساسی در پیشرفت های علمی و صنعتی داشته اند ـ بسته شده است. بعید نیست به زودی مرکز ثقل پژوهش های علمی از آمریکا به کشورهای اروپایی و به خصوص به چین منتقل شود.

این نبرد فقط به سطوح بالای علمی محدود نمی شود. برخورد غیرعلمی و واپسگرای وزارت آموزش و پرورش تحت رهبری خانم بتسی دو واس وزیر بیلیونر آموزش و پرورش که در پی تقویت مدارس چارتر و صد البته مذهبی و کم کردن بودجه مدارس عمومی است، نمونه دیگر آن است. اینها برنامه هایی است که در نظر دارند با تمام نیروی اجرا کنند.

این که این رژیم چهار سال و یا هشت سال دوام بیاورد یا بیشتر، اثرات مخرب خود را برای مدت های طولانی خواهد گذاشت، مگر این که با مقاومت و اعتراض جلوی این تخریب گرفته شود. در این شش ماه مردم با اعتراض ها و فشار جلوی اجرای بسیاری از برنامه های آقای ترامپ را گرفته اند. این شش ماه برای این دولت به هیچ وجه ماه عسل نبوده است. آقای ترامپ و دولتش گرفتار معضلات عدیده ای هستند که باعث شده تاکنون نتوانند به نتایج مورد نظرشان برسند. اعتراض و فشار روی دولت و نمایندگان باید ادامه یابد تا این تخریب به حداقل برسد.

مرکز ایرانیان IAC
Iranian-American Center

نشست سالانه و انتخابات کانون فرهنگی ایرانیان ـ بیست و یکم می ۲۰۱۷

نشست سالانه و انتخابات کانون در محل مدرسه مانت کارمل با حضور جمعی از اعضای کانون و هیئت داوطلب شمارش آرا صورت گرفت. از اعضای هیئت مدیره که دوره خدمت ایشان به پایان رسیده بود قدردانی صورت گرفت و اعضای جدید هیئت مدیره، پس از شمارش دقیق آرا توسط هیات ناظر به جمع حاضر معرفی شدند و به ایشان خیر مقدم گفته شد. طبق رسم هر ساله مراسم با گرفتن عکس به ثبت رسید و خاتمه یافت.

گزارش جنگ فرهنگی سن دیگو

نزدیک به سه سال است که در دومین جمعه هر ماه برنامه ای با نام جنگ فرهنگی در مرکز ایرانیان اجرا می شود، برنامه ای که در ذهن علاقمندان به برنامه های فرهنگی به خوبی جای خود را باز کرده است. حال و هوای برنامه به طور کلی گذری است به عناوین مختلف هنری و فرهنگی که با دعوت از هنرمندان و اندیشمندان در رشته های گوناگون هنری، ادبی و اجتماعی برنامه ریزی و اجرا می گردد.

جنگ فرهنگی ـ دوازدهم می ۲۰۱۷

این جنگ در مرکز ایرانیان و با اجرای رضا خبازیان برگزار شد. مهمان نخست برنامه آقای دکتر مصور رحمانی، با نگاهی متفاوت به گفتگو درباره فرهنگ و تمدن ایران پرداخت. مهمانان بعدی برنامه گروه موسیقی «این چند نفر» با شرکت فرید افشاری ـ پیانو ، مسیح سال افزون ـ دف و آرین بلورچی ـ ویولن بودند. این گروه چند قطعه موسیقی ایرانی برای بینندگان اجرای نمودند.

جنگ فرهنگی ـ نهم جون ۲۰۱۷

این برنامه جنگ در مرکز ایرانیان و با اجرای علی صدر برگزار شد. مهمان نخست برنامه آقای ابراهیم نبوی ـ نویسنده، روزنامه نگار، طنز پرداز و منتقد مقیم جنوب کالیفرنیا ـ به گفتگو درباره کتاب جدید خود «کلک خیال انگیز»، زندگی نامه نورالدین زرین کلک پرداخت. دکتر نورالدین زرین کلک، دکتر داروساز، کاریکاتوریست، پایه گزار نقاشی متحرک ایران، نویسنده کتاب های آموزش عمومی و نویسنده ادبیات کودک و از پایه گذاران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مهمان بعدی برنامه بود که پیرامون ادبیات کودکان در ایران مطالبی را عنوان نمود.

کنسرت روز مادر ـ چهاردهم می ۲۰۱۷

گروه دو نفره فراز مینوئی ـ سنتور و بهفر بهادران ـ تار قطعاتی نو و تازه در موسیقی کلاسیک ایرانی بر روی شعر«پس آنگاه زمین» سروده احمد شاملو اجرا کردند.

نمایش خوانی خانه برناردا آلبا ـ بیستم می ۲۰۱۷

خانه برنارد آلبا نوشته فدریکو گارسیا لورکا به کارگردانی محمود بهروزیان و به شیوه نمایش خوانی به روی صحنه مرکز ایرانیان رفت. اجرای موفق این نمایش خوانی با استقبال بینندگان مواجه شد.

فیلم و گفتگو ـ هفتم می ۲۰۱۷

گروه فیلم و گفتگوی سن دیگو در ماه می اقدام به پخش فیلم «اینجا بدون من» (۱۳۸۹) ساخته بهرام توکلی کرد. در ابتدا، علی پیروزیان ـ مجری برنامه ـ یادآوری کرد که این فیلم اقتباسی از رمان باغ وحش شیشه ایی اثر تنسی ویلیامز بوده وسپس توضیحاتی در مورد کارگردان و آثار وی به حاضرین ارائه داد. پس از نمایش فیلم، در قسمت دوم برنامه به بحث و تبادل نظر در مورد فیلم پرداخته شد. این فیلم موفق به کسب شش جایزه از خانه سینمای ایران شده و فاطمه معتمد آریا موفق به کسب بهترین جایزه بازیگری از جشنواره مونترال گردید.

فیلم و گفتگو ـ چهارم جون ۲۰۱۷

برنامه فیلم وگفتگوی ماه جون به فیلم سعادت آباد اختصاص داشت. این فیلم محصول سال ۱۳۸۹ و پنجمین اثر بلند سینمایی مازیار میری است. در این فیلم لیلا حاتمی، حامد بهداد، مهناز افشار، هنگامه قاضیانی، حسین یاری، امیر آقایی، و مینا ساداتی ایفای نقش کرده اند. پس از نمایش فیلم در قسمت دوم، با حضور مجری برنامه ـ میلاد جهادی ـ حاضران به بحث و تبادل نظر در مورد فیلم پرداختند.

داکیونایت شماره های ۳۸ـ سوم می ۲۰۱۷ و ۳۹ـ هفتم جون ۲۰۱۷

داکیونایت عنوان برنامه ای است که هم زمان در اولین چهارشنبه هر ماه در بیش از بیست شهر آمریکا و کانادا به پخش فیلم مستند اقدام می نماید. این فیلم های مستند توسط فیلمسازان ایرانی ساخته شده و یا مضمون آنان در رابطه با ایران و ایرانیان می باشد.

مستند «بزرگترین جشن روی زمین» (۲۰۱۶ ـ ۷۵ دقیقه) به کارگردانی حسن امینی در ماه می نمایش داده شد. این فیلم به جشن های ۲۵۰۰ ساله شاه ایران می پردازد.

همچنین در ماه جون فیلم «چنارستان» (۲۰۱۵ ـ ۹۱ دقیقه) به کارگردانی هادی آفریده در مرکز ایرانیان سن دیگو به نمایش گذاشته شد. این فیلم که جایزه بهترین فیلم مستند جشنواره حقیقت را در سال ۱۳۹۳ به خود اختصاص داده، به تاریخچه خیابان ولیعصر (پهلوی ـ مصدق سابق)، مکان ها و محله های منتهی به این خیابان می پردازد.

نمایش فیلم «رویاهای رادیو» (Radio Dreams)

این فیلم) به کارگردانی بابک جلال و با بازی محسن نامجو به روی پرده سینماهای انجلیکای کارمل مانتن و و دیجیتال جیم رفت. پس از پایان نمایش فیلم در سینمای انجلیکای کارمل مانتن در یازدهم جون ۲۰۱۷، محمود پیروزیان از کانون فرهنگی ایرانیان، محسن نامجو و کایل کرنن تهیه کننده فیلم برای اجرای برنامه پرسش و پاسخ به بینندگان پیوستند.

جلسات هیئت مدیره کانون فرهنگی ایرانیان سن دیگو

جلسه ماه می هیئت مدیره کانون در تاریخ دهم می برگزار شد. هیئت مدیره جدید کانون اولین جلسه خود را در تاریخ چهاردهم جون ۲۰۱۷ برگزار کرد.

گزارش گِردهمایی سالانه کانون فرهنگی ایرانیان
۲۹ سال خدمت

نشست سالانه کانون در روز یکشنبه سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ برابر با بیست و یکم می ۲۰۱۷ در محل مدرسه ایرانیان واقع در دبیرستان مانت کارمل با حضور جمعی از اعضای کانون برگزار شد.
جلسه با خوشآمدگویی به اعضا توسط خانم فریبا باباخانی ـ قاضی، رئیس هیئت مدیره دوره گذشته، آغاز و با ارائه گزارش کمیته های مالی، مدرسه و پیک به ترتیب توسط آقای حمید رفیع زاده، خانم رزیتا باقری و آقای علی صدر ادامه یافت. سپس کاندیداهای دوره جدید هیئت مدیره کانون به معرفی خود پرداختند.

اعضای هیئت مدیره کانون در سال گذشته:
اعضای اصلی: ۱ـ نیکو عاطفی ۲ـ سارا علاقبند ۳ـ آناهیتا بابایی
۴ـ فریبا باباخانی ـ قاضی ۵ـ بهار باقرپور ۶ـ فریده فاضل
۷ـ گیتی نعمت اللهی ۸ـ محمود رضا پیروزیان ۹ـ حمید رفیع زاده

اعضای علی البدل: ۱ـ گلسا ثریا ۲ـ فرهاد نوربخش

اعضاء مشاور هیئت مدیره کانون در سال گذشته:
۱ـ رزیتا باقری ۲ـ شهربانو استخری ۳ـ شقایق هنسن ۴ـ سعید جلالی
۵ـ شهلا صلاح ۶ـ عبدی سلیمی

هیات اجرایی: رییس هیات مدیره – فریبا باباخانی ـ قاضی،
نایب رییس ـ آناهیتا بابایی، منشی ـ فریده فاضل،
خزانه دار ـ حمید رفیع زاده و مدیر مدرسه ایرانیان ـ علی صدر

کمیته های کانون در سال گذشته:
کمیته آموزش ـ علی صدر، رزیتا باقری، شهناز احمدیان و فریبا باباخانی
کمیته فرهنگی و هنر ـ عبدی سلیمی، گلسا ثریا، علی صدر، سارا علاقبند، بهار باقرپور، آناهیتا بابایی، نیکو عاطفی، فرهاد نوربخش و محمود رضا پیروزیان
کمیته عضویت ـ فریبا باباخانی ـ قاضی، سارا علاقبند، فریده فاضل، فرهاد نوربخش، نیکو عاطفی و شهرزاد جولازاده
کمیته روابط عمومی ـ محمود رضا پیروزیان، آناهیتا بابایی، بهار باقر پور، سارا علاقبند، فریبا باباخانی ـ قاضی، شهرزاد جولازاده و علی صدر
کمیته انتشارات ـ علی صدر، سعید جلالی، شهری استخری، آناهیتا بابایی، شقایق هنسن، لیسا هیلدرت، شهرزاد جولازاده، رضا خبازیان، آریا فانی، سعید نوری بوشهری و ریچال تیت.
کمیته بورس های دولتی ـ فریبا باباخانی ـ قاضی، حمید رفیع زاده، شقایق هنسن، رزیتا باقری، شرول اینسل و شهرزاد جولازاده.
کمیته گلریزان ـ فریده فاضل، فریبا باباخانی ـ قاضی، آناهیتا بابایی، نیکو عاطفی، گیتی نعمت اللهی، شهلا صلاح، شهری استخری و شهرزاد جولازاده
کمیته خیریه ـ گیتی نعمت اللهی، شهری استخری، فریبا باباخانی ـ قاضی، فریده فاضل، شهلا صلاح، شهرزاد جولازاده و نیکو عاطفی
کمیته ساختمان ـ فریبا باباخانی ـ قاضی، شهلا صلاح، علی صدر، آناهیتا بابایی، رزیتا باقری، محمود رضا پیروزیان، عبدی سلیمی، حمید رفیع زاده و شهرزاد جولازاده.
کمیته نوروز ـ بهار باقرپور، حمید رفیع زاده، فریبا باباخانی ـ قاضی، سارا علاقبند، نیکو عاطفی، شهلا صلاح و شهرزاد جولازاده

گزارش زیر چکیده ای از فعالیتهای فرهنگی، هنری و اجتماعی کانون در سال گذشته می باشد:
هیئت مدیره در سال گذشته، جهت دستیابی به اهداف کانون جمعاً دوازده جلسه برگزار نمود

الف ـ کانون فرهنگی ایرانیان سال پربار و بسیار موفقی را با برگزاری یا همکاری در برگزاری برنامه های زیر پشت سرگذاشت. این فعالیت ها برای اطلاع مجمع عمومی اعلام می شود:

۱ـ برگزاری کنسرت تولدی دیگر با هنرمندی شیرین مجد و شاهرخ مشکین قلم
۲ ـ کارگاه داستان نویسی با حسین مرتضاییان آبکنار
۳ ـ از بر خوانی سه تار با کورش تقوی
۴ ـ نمایشنامه خوانی «پول نداریم، پول نمی دیم» اثر داریو فو با کارگردانی محمود بهروزیان
۵ ـ کنسرت گروه سی برگ
۶ ـ جشن مهرگان با همکاری موزه هنر سن دیگو
۷ ـ نمایش فیلم های سینمایی «سلام بمبی»، «خانه پدری»، «عصبانی نیستم»، «ناردون» با همکاری شید سینما
۸ ـ فیلموین (فیلم + هالووین)
۹ ـ همکاری در نمایش فیلم در جشنواره زمستانی سن دیگو ـ پک آرت
۱۰ ـ جشن شب یلدا در رستوران صوفی با گروه باده و ترانه
۱۱ ـ برگزاری جشن روز جهانی کودک با همکاری بنیاد کودک و خیریه یک دلار در ماه
۱۲ ـ بداهه خوانی با همکاری دانشگاه سن دیگو
۱۳ ـ کنسرت گروه نماد (هنگام)
۱۴ ـ بازار سالیانه کانون فرهنگی ایرانیان
۱۵ ـ شب خانوادگی با بازی و سرگرمی در مرکز ایرانیان
۱۶ ـ سبزه کاری و تخم مرغ رنگ کردن در مدرسه ایرانیان
۱۷ ـ جشن نوروزی مدرسه ایرانیان
۱۸ـ چهارشنبه سوری با همکاری انجمن متخصصین ایرانی سن دیگو و خانه ایران
۱۹ ـ جشن نوروزی کانون فرهنگی در هتل مریات لاهویا
۲۰ ـ جشن نوروزی در کتابخانه فورست رنچ
۲۱ ـ سیزده بدر با همکاری انجمن متخصصین ایرانی سن دیگو و خانه ایران
۲۲ ـ کنسرت علی عظیمی با همکاری با سازمان گرامافون
۲۳ ـ برپا کردن هفت سین و نمایشگاه تاریخ، ادبیات و هنرهای ایرانی در هفت کتابخانه عمومی سن دیگو در ایام نوروز
۲۴ ـ شرکت در فستیوال فرهنگ های گوناگون در بلبوا پارک
۲۵ ـ شرکت در روز فرهنگ های گوناگون در میرا کوستا کالج
۲۶ـ یازده جلسه نمایش فیلم و گفتگو در اولین یکشنبه هر ماه در مرکز ایرانیان
۲۷ ـ دوازده جلسه جُنگ فرهنگی در دومین جمعه هر ماه در مرکز ایرانیان
۲۸ ـ برگزاری نمایشگاه نقاشی هنرمندان محلی در مرکز ایرانیان
۲۹ ـ برگزاری کارگاه دف توسط میلاد جهادی
۳۰ ـ برگزاری کلاس های سه تار با کورش تقوی

۳۱ ـ برگزاری کلاس های تنبک با میلاد جهادی
۳۲ ـ روز فرهنگ های گوناگون در لیندا ویستا
۳۳ ـ همکاری در جشنواره بهاری فیلم های آسیایی در سن دیگو
۳۴ ـ همکاری در برگزاری کنسرت حامد نیک پی
۳۵ ـ همکاری در برگزاری سخنرانی خانم پریسا، بانوی آواز ایران با همکاری دانشگاه کالیفرنیا در سن دیگو
۳۶ ـ کنسرت روز مادر با هنرمندی فراز مینویی و بهفر بهادران
۳۷ ـ روز فرهنگ های گوناگون در دل سور
۳۸ ـ نمایش نامه خوانی «خانه برناردا آلبا» اثر فدریکو گارسیا لورکا با کارگردانی محمود بهروزیان

ـ مجله پیک در سالی که گذشت کانون فرهنگی ایرانیان با تلاش و کوشش دست اندرکاران کمیته انتشارات توانست نشریه «پیک» را که مهمترین رسانه گروهی کانون می باشد با محتوای بهتر در دسترس همگان قرار دهد. «پیک» هر دو ماه با تیراژ ۶۰۰۰ نسخه برای بیش از ۳۲۰۰ خواننده پست می شود و در چندین مرکز در سراسر سن دیگو و در بخشی از اورنج کانتی، لوس آنجلس، شمال کالیفرنیا، واشنگتن دی سی، کنزاس سیتی، مریلند، دالاس، شیکاگو و بسیاری شهرهای دیگر پخش می شود. با بالا بردن کیفیت چاپ و محتوای مقالات، «پیک» به صورت یکی از شناخته شده ترین و پرخواننده ترین رسانه های فرهنگی و اجتماعی ایرانی در جنوب کالیفرنیا درآمده است

ـ عضویت: در سالی که گذشت کانون موفق شد ۱۰ درصد به تعداد اعضای خود بیفزاید و همچنین با تبلیغ در وب سایت به تشویق به عضویت در کانون فرهنگی ادامه دهد. اعضای کانون با داشتن کارت عضویت مشمول تخفیف های ویژه برای برنامه های مختلف کانون و تخفیف از بعضی از مراکز تجاری شدند. لیست کامل این مراکز در وب سایت کانون به ثبت می رسد.

ـ رسانه های دیگر در سالی که گذشت بسیاری از برنامه های کانون در رادیو «کی پی بی اِس» در سن دیگو و «کی آی آر اِن – رادیو ایران» در لس آنجلس و همچنین در سایت آرت اند سول سن دیگو، کدوم دات کام، چه خبر دات کام و ایران هات لاین اعلام شد. این برنامه ها، نه تنها برای ایرانیان، بلکه برای جوامع فرهنگی دیگر نیز پخش می شود.
کانون فرهنگی ایرانیان در سال گذشته همکاری خود را با سازمان برق و گاز شهر سن دیگو در مورد صرفه جویی انرژی و هزینه آن و همچنین اطلاع رسانی همگانی ادامه داد.

ـ وب سایت: هزاران نفر در سراسر دنیا با دیدار از وب سایت کانون در جریان فعالیت های ما قرار گرفته و توانستند نشریه پیک را به صورت الکترونیکی دریافت کنند. مراجعه کنندگان به تارنمای کانون می توانند از طریق این شبکه، حق عضویت، خریداری بلیط و پرداخت کمک های مالی خود را انجام دهند. کانون همچنین هفته ای یک بار خبرنامه ای شامل اعلام برنامه های جاری و آتی به هزاران نفر به صورت ایمیل ارسال می کند. اعلام برنامه های کانون از طریق فیسبوک و تلگرام نیز صورت می گیرد.

ـ مرکز ایرانیان: این مرکز میزبان برنامه های فرهنگی متنوع کانون و دیگر سازمان های غیر انتفاعی طی سال گذشته بوده است. کتابخانه کانون با بیش از چهار هزار جلد کتاب در خدمت فرهنگ دوستان عزیز است.

ب ـ مدرسه ایرانیان: مدرسه ایرانیان بیست و نهمین سال فعالیت خود را در دو شعبه برگزار کرد. امسال در مدرسه ایرانیان ۲۴۰ دانش آموز به فراگیری زبان فارسی و هنرهای ایرانی پرداختند. مدرسه ایرانیان علاوه بر آموزش زبان فارسی، برنامه های سالیانه نوروزی خود را با موفقیت بسیار برگزار نمود. مراسم جشن پایان سال تحصیلی در یازدهم ماه جون اجرا شد. امسال نیز هر دو شعبه مدرسه (پنجشنبه ها و یکشنبه ها) در یک محل، در مدرسه مانت کارمل تشکیل شد. در شعبه اول مدرسه جمعا ۱۷کلاس برای دانش آموزان و نوجوانان وجود دارد که در شش سطح فارسی می آموزند. دو کلاس نیز برای بزرگسالان و دو کلاس به کودکستان و همچنین امسال کلاس های دف نوازی برای بزرگسالان (والدین) در مدرسه ایرانیان تشکیل شد. کلاس های فوق برنامه، نظیر رقص و تئاتر، اورف و سه تار نیز ارائه می شوند. در شعبه دوم جمعا ۶ کلاس درس وجود دارد. مدرسه ایرانیان در نظر دارد با ایجاد شبکه ارتباطی فعال با دیگر مراکز آموزش فارسی در آمریکا و نهایتا نقاط دیگر جهان، به تبادل تجربه و مطالب آموزشی اقدام کند. مدرسه ایرانیان در حال حاضر توسط تمامی ادارات آموزش و پرورش منطقه به رسمیت شناخته شده و دانش آموزان دبیرستانی می توانند زبان فارسی را به عنوان زبان دوم در مدرسه ایرانیان بگذرانند.

پ ـ هنرستان رقص های ملی ایران با بیش از ۴۵ هنرآموز به فعالیت خود در زمینه ترویج هنر رقص ایرانی ادامه داد و در برنامه های زیر هنرنمایی کرد:
ـ جشن نوروزی کانون فرهنگی ایرانیان
ـ جشن نوروزی مدرسه ایرانیان
ـ جشن نوروزی در کتابخانه فورس اس رنچ
ـ جشن مهرگان خانه ایران
ـ روز فرهنگ های گوناگون در شرکت اینتل

ت ـ بنیاد خیریه کانون فرهنگی ایرانیان یکی از نهادهای کانون می باشد که برای جمع آوری کمک های مالی برای کارهای خیریه به وجود آمده است. در سالی که گذشت این نهاد موفق به یاری رسانی و ادامه کمک به دو نوجوان بی سرپرست در سن دیگو را ـ که دو سال پیش آغاز کرده بود ـ ادامه داد. این پروژه در تقویم کانون فرهنگی ایرانیان یک پروژه طولانی مدت است. همچنین با کمک همیاران، کانون پروژه کمک به یک خانواده بی خانمان و همچنین مهاجران سوریه و مهاجرین ایرانی را ادامه داد.

انتخابات

بعد از گزارش سالانه کاندیداها به معرفی خود پرداختند و انتخابات برای اعضای جدید برگزار شد و نتایج به این شرح اعلام گردید:
اعضای اصلی: فریبا باباخانی ـ قاضی، گلسا ثریا، ، گیتی نعمت اللهی
اعضای علی البدل: ونوس صفایی و مرجان دوستدار

سپاس ویژه:

بدین وَسیله از اعضای هیئت مدیره دوره گذشته که امروز دوره خدمت آنها در هیئت مدیره کانون رسماً به اتمام می رسد صمیمانه تشکر و سپاسگزاری می نماییم و آرزومند پیروزی آنان می باشیم. امید است که این افراد، با عضویت در کمیته های مختلف اجرایی به یاری کانون فرهنگی ایرانیان ادامه دهند. اسامی این افراد به قرار زیر است: خانم ها: گلسا ثریا، فریبا باباخانی ـ قاضی، گیتی نعمت اللهی، آناهیتا بابایی و بهار باقرپور و آقای: فرهاد نوربخش. خانم ها آناهیتا بابایی و بهار باقرپور دو دوره متوالی در هیئت مدیره خدمت کرده اند و بر اساس اساسنامه کانون قادر به انتخاب مجدد برای حداقل یک سال نمی باشند.

اولین جلسه ماهانه هیئت مدیره کانون پس از انتخابات در چهاردهم جون ۲۰۱۷ در دفتر کانون برگزار شد. در این نشست کمیته ها ی جدید تشکیل و اعضای هیئت اجرایی به شرح زیرانتخاب شدند:
رئیس هیئت مدیره: فریبا باباخانی ـ قاضی
نایب رئیس: نیکو عاطفی،
منشی: فریده فاضل،
خزانه دار: حمید رفیع زاده

- - - - - - - - - - - - - - - - - -

هیئت مدیره کانون از دوستانی که خواستار فعالیت در کمیته های مختلف کانون هستند تقاضا می کند با شماره ۹۳۵۵ ـ ۵۵۲(۸۵۸) و یا وبسایت کانون تماس بگیرند.

زیر نور مهتاب

از: رضا خبازیان

تسویه فرهنگی

مهاجرت قصه عجیبی است که فرد مهاجر را بناگاه، خواسته یا ناخواسته، در سرزمینی قرار می دهد که تفاوت های شگرفی با سرزمین مادری اش دارد. از ابتدای ورود به سرزمین میزبان، مشکل های فراوانی در مقابل وی قرار می گیرند که گاه تا سالیان متمادی، دست و پنجه نرم کردن با آن مشکل ها انرژی روزمره وی را به خود اختصاص می دهند.

آنچه مسلم است، فرد مهاجر، پس از سالیانی که از سکونش در سرزمین میزبان می گذرد علاوه بر حل یا کنار آمدن با گرفتاری های اولیه، فرهنگی را پایه ریزی می نماید که می توان آن را «فرهنگ مهاجرت» نامید.

فرهنگ مهاجرت، گرچه ریشه در فرهنگ سرزمین مادری دارد ولی چون از ترکیب دو فرهنگ گاه متضاد تشکیل یافته است، در اکثر موارد، شبیه هیچ یک از دو فرهنگ نمی باشد و برای خود خاستگاه و رنگ و لعاب مخصوص خود را دارد. برای مثال، ممکن بود در سرزمین مادری، ما ایرانیان هیچ اقدامی برای بزرگداشت پاره ای از مناسبت ها و جشن های خود چون «مهرگان» و «سده» نمی کردیم، همان طور که در قید و بند برگزاری «کریسمس» و «هالووین» نیز نبودیم. ولی در اثر زندگی درازمدت در مهاجرت، نه تنها به جشن های قدیم خود ارج می نهیم و هر ساله آنها را برگزار می نماییم بلکه اجرای لیست بلند و بالایی از جشن ها و مراسم سنتی کشور میزبان را نیز در زمره واجبات زندگی خویش قرار داده ایم. اگر در سرزمین مادری «وقت شناسی» را مورد توجه کافی قرار نمی دادیم ولی در زندگی مهاجرت به خوبی آموخته ایم تا در مطالبات روزانه خویش به این مهم توجه بسیار بنماییم.

امروز، با این که بیش از سی سال از آغاز مهاجرت ما ایرانیان گذشته است و «فرهنگ مهاجرت» ما شکل و شمایل خود را گرفته است، به گمان من، هنوز راه بسیاری را در پیش روی داریم تا بتوانیم به کاری دست بزنیم که من آن را « تسویه فرهنگی» نام گذاشته ام. در نتیجه این تسویه فرهنگی، باید بتوانیم آنچه را که در سرزمین مادری به عنوان داده های دست و پاگیر و غیر ضروری آموخته ایم کنار بگذاریم و در عوض آنچه را که مفید و آموختنی در فرهنگ جامعه میزبان یافته ایم سرلوحه افکار و اعمال خویش قرار دهیم. چنین تسویه فرهنگی است که در سالیان آتی و پس از حیات ما، منجر به ماندگاری نورم جامعه ایرانیان مهاجر خواهد گردید.

یکی از بارزترین خصوصیت فرهنگی جامعه آمریکا، حمایت از ارگان های فرهنگی است. بدین معنا که افراد جامعه آمریکا، حداقل آن دسته که به ورای دایره خویشتن می نگرند، به این باور رسیده اند که حمایت آنان از ارگان ها و انجمن های هنری و فرهنگی تضمین بقای این گونه فعالیت های آموزشی و فرهنگی است. هر چند این حمایت ها در حوزه فعالیت های دولتی است ولی بدون کمک و حمایت مردمی، امکان پایداری این گونه فعالیت ها وجود ندارد. زمانی مثل امروز، که دولت هایی در راس امور قرار می گیرند که توجه به ادامه فعالیت این گونه سازمان ها را در اولویت دستور کار خویش قرار نداده اند و یا از ریشه با وجود آنها مخالفند و قصد براندازی آنها را دارند، سیل عظیم کمک های مردمی به این سازمان ها آغاز می شود.

حقیقت تلخ این است که دولت جاری آمریکا از مردان و زنانی تشکیل شده است که در جمع، تافته های جدابافته اند و از نظر ایدیولوژیکی، با بسیاری از دست آوردهای جوامع مترقی از بیخ و بن در تضاد و دشمنی قرار دارند. بسیار محتمل است که علاوه بر قطع بودجه های خیریه دولتی و حتی بسیار قبل از آن، به قطع بودجه هایی بپردازند، که هر چند بسیار اندک از نظر مقدار، ارگان های فرهنگی جامعه مهاجر را تا به امروز حمایت کرده است. در صورت چنین اقدامی، که امکان وقوع آن نیز بسیار بالا است، ارگان های فرهنگی ایرانی چاره ای غیر از تعطیل و یا کاهش فعالیت خود نخواهند داشت.

در این جا است که من و شما، به عنوان ایرانیان مهاجر و علاقمند به فرهنگ، زبان، و آداب و رسوم ملی خویش، همان گونه که از فرهنگ کشور میزبان خویش آموخته ایم، می توانیم و بایستی نقش تاریخی خود را به خوبی بازی کنیم و حفظ ارگان های فرهنگی خویش را در زمره واجبات زندگی روزمره خویش قرار دهیم. به عبارت دیگر باید بتوانیم که «علاج واقعه را قبل از وقوع» بنماییم.

برای من، به عنوان یک کارگزار فرهنگی که بیش از سی سال در کنار این گونه ارگان ها فعالیت مستمر داشته ام، فکر این نکته به خودی خود دردناک است که چرا جامعه مهاجر ایرانی، که خوشبختانه از متمول ترین و با سوادترین اقلیت های آمریکا قلمداد می شوند، بسیار کمتر از توان فرهنگی خویش به معضل بقای فرهنگی توجه دارند.

این مشکل، زمانی چهره دردناک خود را نشان می دهد که به عنوان مثال همگان شاهد استقبال بی نظیر هموطنان خود در مراسمی چون «چهارشنبه سوری» و «سیزده بدر» می باشیم ولی در هیچ یک از فعالیت های دیگر فرهنگی نشانی از این استقبال هیجان انگیز نمی بینیم. شاید بتوان به این نکته اشاره کرد که حتی تعداد زیادی از شرکت کنندگان در این مراسم پرشور فرصت این سئوال را به خود نداده اند که این گونه مراسم به همت کدام سازمان های فرهنگی شهر سن دیگو برگزار و تدارک می شوند و آیا لزومی برای عضویت در این سازمان های فرهنگی را می بینند.

حقیقت تلخ این است که عدم عضویت در این سازمان ها، به خصوص در شرایط حاضر، و به همان دلیلی که در بالا آورده شد، امکان حیات پویای این گونه سازمان ها را با مشکلات بودجه ای فراوان روبرو می سازد که در صورت ادامه، شاید روند فعالیت های فرهنگی را مختل نماید.

نکته قابل توجه برخوردی است که میهمانان شهر سن دیگو می نمایند، اعم از سخنوران و برنامه آفرینان تا شرکت کنندگانی که از شهرهای دیگر آمریکا به شهرمان گذر می کنند. ایشان متفق القول یکه بودن و ممتاز بودن فعالیت های فرهنگی در شهرمان را با دیده احترام می نگرند. آیا وقت آن نرسیده است که شهروندان سن دیگو نیز با دید پویاتری به حضور و فعالیت سازمان های فرهنگی شهر خود بنگرند و با عضویت خود حداقل حمایت خویش را اعلام نمایند؟ به طور قطع، از یک جامعه متمول و مردمانی که علاقمند به پاسداری از فرهنگ خویش هستند انتظاری دور از واقع نخواهد بود که نگاهی جدی تر به ارگان های فرهنگی داشته باشند و حمایت از آنها را نیز از جامعه میزبان بیاموزند. نگاهی حتی گذرا به لیست حامیان فعالیت های فرهنگی در جامعه میزبان به خوبی گواهی می دهد که بدون وجود کمک های مردمی، امکان پویایی این گونه فعالیت ها با دشواری فراوان روبرو خواهد بود.

دولت های این روزگار، دیر یا زود، راه کمک های اندک خود را خواهند بست و چه حیف است که ما نیز شهرمان را از وجود فعالیت های متنوع فرهنگی با نبود حمایت موثر خود، محروم نماییم.

نوشین خورسندیان

بنی آدم

(مجموعه داستان های کوتاه)

محمود دولت آبادی

نشر چشمه، چاپ چهارم، زمستان سال ۱۳۹۴

محمود دولت آبادی، خالق رمان های «کلیدر» و «جای خالی سلوچ» این بار مجموعه داستان های کوتاه «بنی آدم» را به رشته تحریر درآورده است. «بنی آدم» شامل شش داستان کوتاه مدرن و پست مدرن سه تا سی و دو صفحه ای است. داستان هایی واقع گرایانه؛ مانندِ «امیلیانو حسن»، «چوب خشک بلوط» و«اتفاقی نمی افتد»، و داستان هایی از جنس رئالیسم جادویی؛ مانند «مولی و شازده» و «اسم نیست» و «یک شب دیگر». برای خواننده آشنا به داستان های روستایی و ایلیاتی دولت آبادی، «بنی آدم» در حیطه شهری تغییر بزرگی است؛ هر چند که زبان نوشتاری دولت آبادی هنوز همان زبان زیبای سابق است.

در متن داستان «مولی و شازده» نویسنده اعتراف می کند: «گفتم، همان اول کار گفتم که نوشتن داستان کوتاه کار من نیست. این هنر بزرگ را کافکا داشت. ولفگانگ بورشرت داشت و می توانست بدارد که در همان «بیرون، جلو در» جان سپرد و داغش لابد فقط به دل من یکی نیست، و پیش تر از او چخوف داشت که بالاخره خون قی می کرد در آن اتاق سرد، و چند فقره ای هم رومن گاری، آن جا که پرندگان پرواز می کنند می روند در پرو می میرند». این به نوعی شکسته نفسی است چرا که خواننده با خواندن اولین داستان پی می برد که داستان کوتاه دولت آبادی نیز می تواند مانند رمان هایش بدرخشد. پیام حیدر قزوینی در شرق آنلاین در گفت و گو با محمود دولت آبادی به مناسبت انتشار مجموعه داستان «بنی آدم» می گوید: «این مجموعه، اگر چه مجموعه ای به هم پیوسته نیست اما برخی ویژگی های مشترک، قصه های این مجموعه را در پیوند با هم قرار داده است. یکی از این ویژگی های مشترک، فضای ابهام آلود داستان هاست و دیگری وضعیتی است که آدم های داستان در آن گرفتار شده اند. شخصیت های حاضر در داستان ها نیز، غالبا آدم هایی معمولی نیستند و هر کدامشان به شکلی گرفتار وضعیتی بحرانی اند. خاصه در سه داستان «مولی و شازده»، «اسم نیست» و «اتفاقی نمی افتد» با آدم هایی روبرو هستیم که انگار از متن زندگی به بیرون پرتاب شده اند.» دولت آبادی در این مصاحبه می گوید: «این که داستان هایم این بار متفاوت با کارهای قبلی من هستند، کاملا درست است. چون آن تاملی که در آثار رئالیستی ام داشته ام در اینجا شکل دیگری پیدا کرده و لابد آنچه در مورد این کتاب باید توضیح بدهم این است که آدمیزاد ناگهان طور دیگری شده و این ها همه، طور دیگر شدنِ آدمیزاد است در عمری که من گذراندم. این طورِ دیگر شدن را نمی توانم آدرس بدهم که کجاست ولی تاثیراتش در ذهن من چنین بوده و بیان شده است... آنچه بر فضای همه این قصه ها حاکم است، عصاره زندگی ای است که من در این دوره تجربه می کنم. عصاره دفرماسیون، بیگانه شدن و بی سرانجامی».

در «مولی و شازده» شازده قاجار نیمه شب از خواب بیدار شده و پشت پنجره مردی قوزی را می بیند که از میله پرچم میدان شهر بالا رفته و قصد دارد پرچم را پایین بیاورد. همزمان زنی به رنگ خاکستر آستانه ی سحرگاه با بقچه ای در دست وارد میدان شده و بر نیمکت می نشیند. جمعیت کم کم دور میله پرچم جمع می شوند. متهمی را تحت الحفظ وارد میدان کرده و می خواهند او را از میله پرچم آویزان کنند و به دارش بکشند. ماموران به مرد قوزی اعتراض می کنند که چرا هنوز پرچم را بیرون نیاورده است. جرثقیلی وارد میدان می شود. مرد متهم را از آن آویزان می کنند و به دار می کشند. همزمان مرد قوزی و پرچم به پرواز در می آیند. شازده از خانه اش خارج می شود تا چند روزی را در باغ لواسانات بگذراند؛ اما پیش از سوار شدن به آژانس، از زمین کنده شده و به پرواز درمی آید. تو گویی زمین قدرت جاذبه اش را از دست داده است. در انتها معلوم نمی شود چه کسی وسایل زینتی او را که به پرواز درآمده اند صاحب می شود. زنی که با بقچه اش بر روی نیمکت نشسته از میدان خارج می شود ولی این بار بقچه اش را بر شانه دارد نه در بغل. به حکم شرع کسی را در میدانی قناس دار می زنند و همزمان پرچم ایران و شازده به پرواز درمی آیند و اموال شازده به غارت می رود.

«اسم نیست» داستانی است که به طورغیر معمول، به عمد یا غیر عمد با شبه ویرگول «؛» شروع می شود که نماد کلافگی و پریشانی است. چهار نفر هر کدام به دلیلی قصد فرار از مرز را دارند. واتابِ اضطراب در صورت ها مشهود است هرچند که وانمود می کنند آرامند و سکوت اختیار کرده اند. سراج که در زمان مرخصی از زندان است، رانندگی را به عهده گرفته. مرد عینکی کم مو، جلو نشسته و دست ها را بین پاهاش گذاشته. مرد جوان، پشت سر مرد عینکی نشسته. آقا نعمت پشت سر سراج قرار گرفته است. سراج وقتی به اتهام قتل، دوران حبس ابد خود را می گذرانده، آقا نعمت را دیده است. مرد جوان، ناپدری داشته که بی اعتنا به وجود فرزندان، در تنها اتاق خانه کنارهمسرش خوابیده است و تمام بچه ها رابطه واضح او را با مادر دیده اند. او ناخواسته ناپدری اش را کشته چون ناپدری با تینر تمام نقاشی هایش را به آتش کشیده. سراج در داشبورد اسلحه ای پیدا

«دنباله مطلب در صفحه ۲۴»

بخوان با نام گل سرخ عاشقانه بخوان

گردآوری از سعید نوری بوشهری

یکشنبه آخر ماه جون، روز پدر است. روز پدر احساس دوگانه ای را در من پدید می آورد. پدرم را خیلی دوست داشتم و با او رفاقتی داشتم که با هیچ دوست دیگری پیدا نکردم. از شنیدن نام پدر، تصویر تمامی خاطرات خوشی که با او سپری کرده ام در ذهنم به رقص درمی آیند، اما...

بگذارید ادامه ندهم شرح غصه را و تنها با احترام به پدرانی که هنوز سایه شان برپا است و با یاد خوش پدرانی که بار سفر بسته و رفته اند شما را به بیت شعری از ابوحفص سُغدی دعوت کنم، شعری را که از پدر آموختم. این شعر را نقطه عطفی در شعر زبان فارسی می دانند:

آهوی کوهی در دشت چگونه بوذا او ندارد یار، بی یار چگونه روذا

ابوحَفص سُغدی، موسیقیدان و شاعری پارسی گوی بوده که در پایان قرن سوم و آغاز قرن چهارم در سمرقند در آسیای میانه زندگی می کرد. سُغدی را می توان از دسته نخستین سرایندگان شعر فارسی دانست. او این شعر را در حدود سال ۳۰۰ هجری قمری سروده است.

***

بادوبرگ نام کتابی است از **عباس کیارستمی** ـ سینماگر، عکاس، نقاش، شاعر، و... ـ حاوی هایکوهای او. «باد از زبان برگ، برگ از زبان باد» بالای عنوان کتاب در روی جلد جای خوش کرده است و تصویری از محتوای کتاب را به روشنی می نمایاند. کیست جز او، که وقتی فیلم می سازد شعر می گوید و وقتی شعر می گوید تصویری زنده به دنبال آن روان می کند. مقدمه این کتاب هم خود یک هایکو است:

به عنوان مقدمه
از ستم روزگار
پناه بر شعر
از جور یار
پناه بر شعر
از ظلم آشکار
پناه بر شعر

صفحه شعر این شماره پیک را به برگزیده ای از هایکوهای عباس کیارستمی زینت می دهیم.

امشب، با ماه
قرار ملاقات دارم
با ماه تمام
هفت دقیقه
مانده به هفت

رازم را
با ماه گفتم
آفتاب که برآمد،
راز برملا شد.

از شکاف در
هم سوز می آید،
هم نور ماه.

بین من و ماه
گفتگویی است
که نه ماه می شنود
نه من.

زیر برف پاک کن اتومبیلم
بخشی از شعر «زمستان»
یخ زده بود.

نهالی کوچک
قد می کشید و می رفت
به سمت آسمان
بی خبر از تبر.

بازنگشتند
رودهائی
که به دریا رفتند
سربازانی که به جنگ
و یارانی که
به دیار غریب.

چه با علاقه دنبال می کنند
جریان جنگ و صلح را
سربازان ذخیره.

کودک پرسید
آیا پشت خارپشت هم
می خارد؟

کنار قایقی واژگون بر ساحل
اسکلت چند ماهی کوچک

همراه با باد
یک برگ پاییزی
از باختران
تا خاوران.

سازی
در جعبه ای تاریک
در دست مردی
نابینا

دوشیزگان باکره
برای مهریه
دیوان شعر مطالبه می کردند.

بر فضای خانه ام
سکوت حاکم است
تا بازگشت زنی که
می شناسم.

قهرمان داستانی هستم
که نه داستانی دارد
و نه قهرمانی.

«بادوبرگ – عباس کیارستمی»

***

خیال خام پلنگ من به سوی ماه جهیدن بود
و ماه را ز بلندایش به روی خاک کشیدن بود
پلنگ من ـ دل مغرورم ـ پرید و پنجه به خالی زد
که عشق ـ ماه بلند من ـ ورای دست رسیدن بود

گل شکفته! خداحافظ اگر چه لحظه دیدارت
شروع وسوسه ای در من به نام دیدن و چیدن بود
من و تو آن دو خطیم آری موازیان به ناچاری
که هر دو باورمان ز آغاز به یکدگر نرسیدن بود
اگر چه هیچ گل مرده دوباره زنده نشد اما
بهار در گل شیپوری مدام گرم دمیدن بود
شراب خواستم و عمرم شرنگ ریخت به کام من
فریبکار دغل پیشه بهانه اش نشنیدن بود
چه سرنوشت غم انگیزی که کرم کوچک ابریشم
تمام عمر قفس می‌بافت ولی به فکر پریدن بود

«مجموعه شعر با عشق در حوالی فاجعه ـ حسین منزوی»

***

لوسین بلاگا (۱۹۶۱ ـ ۱۸۹۵)، فیلسوف، شاعر، نمایشنامه نویس و داستان نویس اهل رومانی است. در این شماره شما را به شعری از او میهمان می کنیم:

سیاه اگر چشم تو باشد
زیبای من!
سیاه اگر چشم تو باشد
سرم که بر زانوان تو باشد
می‌دانم، شب از چشم های تو می آید
پنهانی به دره ها می ریزد
بر کوه ها و دشت ها می گسترد
دریایی تاریک، زمین را در خود می پوشد.
سیاه اگر چشم تو باشد
روشنای من است!

«لوسین بلاگا، ترجمه نفیسه نواب پور»

***

چه خوش می گوید **سهراب** که « شاعران وارث آب و خرد و روشنی‌اند.»

پشت دریاها
قایقی خواهم ساخت،
خواهم انداخت به آب.
دور خواهم شد از این خاک غریب
که در آن هیچکسی نیست که در بیشه عشق
قهرمانان را بیدار کند.

قایق از تور تهی
و دل از آرزوی مروارید،
همچنان خواهم راند.
نه به آبی ها دل خواهم بست
نه به دریا ـ پریانی که سر از خاک به در می آرند
و در آن تابش تنهایی ماهی گیران
می فشانند فسون از سر گیسوهاشان.

همچنان خواهم راند.
همچنان خواهم خواند:
«دور باید شد، دور.
مرد آن شهر اساطیر نداشت.
زن آن شهر به سرشاری یک خوشه انگور نبود.
هیچ آیینه ی تالاری، سرخوشی ها را تکرار نکرد.
چاله آبی حتی، مشعلی را ننمود.
دور باید شد، دور.
شب سرودش را خواند،
نوبت پنجره‌هاست.»

همچنان خواهم خواند.
همچنان خواهم راند.

پشت دریاها شهری است
که در آن پنجره ها رو به تجلی باز است.
بام ها جای کبوترهایی است که به فواره هوش بشری می‌نگرند.
دست هر کودک ده ساله شهر، شاخه ی معرفتی است.
مردم شهر به یک چینه چنان می نگرند
که به یک شعله، به یک خواب لطیف.
خاک، موسیقی احساس ترا می‌شنود
و صدای پر مرغان اساطیر می‌آید در باد.

پشت دریاها شهری است
که در آن وسعت خورشید به اندازه چشمان سحرخیزان است.
شاعران وارث آب و خرد و روشنی‌اند.

پشت دریاها شهری است!
قایقی باید ساخت.

«حجم سبز – هشت کتاب، سهراب سپهری»

مدرسه ایرانیان سن دیگو
Iranian School of San Diego

روز یکشنبه یازدهم ماه جون ۲۰۱۷ مدرسه ایرانیان سن دیگو جشن پایان سال آموزشی خود را برگزار کرد و دانش آموزان این مدرسه رسما تعطیلات تابستانی خود را آغاز کردند. دانش آموزان دوره پیشرفته با غرور و افتخار مدرک پایان تحصیلات خود را دریافت کردند، دانش آموزان برنده مسابقه کتاب خوانی جایزه گرفتند، از کمک معلم های جوان مدرسه قدردانی شد، گروه های رقص برای حاضرین برنامه های شاد و دیدنی اجرا کردند و بچه ها در کنار خانواده و دوستان بازی کردند، مسابقه دادند، جایزه گرفتند، کارنامه و کتاب سال گرفتند، غذا و بستنی خوردند و...

روز بسیار خوش و خرمی بود. کانون فرهنگی و مدرسه ایرانیان برای شما تابستانی طلایی و شاد را آرزو دارند.

بچه ها! تابستان فصل تفریح و استراحت است و به دلیل تعطیلی مدارس زمان مناسبی برای مسافرت، شرکت در کلاس های تابستانی، انجام ورزش های آبی، مطالعه بیشتر و کمک به پدر و مادر در خانه است. به شما پیشنهاد می کنیم از این فرصت استفاده کنید و کمی در اداره امورخانه کمک کنید، کتاب های جالب جدید بخوانید، با خانواده به دیدن فیلم های خوب سینمایی بروید، از شهرهای جدید دیدن کنید، به دیدار دوستان و خانواده بروید، ورزش و بازی کنید، خیلی زیاد! از روزهای بلند و آفتابی تابستان لذت ببرید و خستگی سال گذشته را از تن و فکر بدر کنید. ما مشتاق دیدار صورت های خندان شما در ماه سپتامبر هستیم. تا آن زمان، روز و روزگار خوش و ایام به کام.

As the 2016 _ 2017 school year comes to a close at the Iranian School of San Diego, there is a definitive bittersweet feeling on campus. Most kids are excited for the arrival of summer, finally able to relax and enjoy themselves for a few months. Others know that it will be their last time as students, choosing to either become TA's or leave the school for good. For all of these children, however, Iranian school has been a way to connect with their culture and learn more about their heritage.

At the ceremony, students enjoyed classical Persian dances and music, along with funny performances by older students. Graduates were given a certificate for their accomplishments, teachers were recognized for their devotion, and TA's were thanked for their volunteer work. Pizza and drinks were handed out, and the lunch area was filled with various different eating contests!

This was all in celebration of another successful school year at the Iranian School of San Diego, an organization which has educated and inspired its students for decades. The festivities here honor both past pupils and faculty, as well as those that will arrive far into the future. They represent the movement forward of the Iranian American community not only here, but all over the United States.

Kian Kalantar – Student TA and reporter

آگهی ثبت نام سال ۲۰۱۸ – ۲۰۱۷

شعبه اول یکشنبه بیست و هفتم آگوست ۲۰۱۷ از ساعت ۹:۳۰ تا ۱۲ ظهر
در مدرسه مونت کارمل اتاق C_1

شعبه دوم پنجشنبه سی و یکم آگوست ۲۰۱۷ از ساعت ۶ تا ۸ بعد از ظهر
در مدرسه مونت کارمل اتاق C_1

ISSD Registration 2017-2018

Branch I Sunday August 27, 2017 at 9:30am-12pm

Branch II Thursday, August 31, 2017 at 6-8pm

Mt. Carmel High School
Mount Carmel High School
9550 Carmel Mountain Road • San Diego, CA 92129
For more information: 858 552-9355

مدرسه ایرانیان سن دیگو
Iranian School of San Diego

اسامی فارغ التحصیلان سال تحصیلی ۲۰۱۷ ـ ۲۰۱۶

Ilene Jahanpour
Aryasb Kont
Arman Maheronnaghsh
Mateen Mazloom
Adib Mazloom
Koosha Mohammadinejad
Shayan Ravari
Arya Zokaei
Darya Abolmaali
Arya Abolmaali
Camron Agahi
Saba Bouzarjomehri
Lilia Djavanmard
Mojdeh Faridani
Omid Fouladpouri
Adreen Fazel
Saba Honarvar

برندگان مسابقه کتابخوانی نیمه دوم سال تحصیلی

End of The Year Reading Olympics Branch I & II

Arteen Aivati
Adreen Fazel
Kourosh Sadeghizadeh
Natasha Asgari
Roxana Arezi
Parisa Mazarei
Ilya Golbadinejad
Salena Sadri
Aryasb Kont
Anahita Karamloo
Tina Khadem
Ali Samadi
Raaya Jahanbin
Melody Abouzari
Laila Ferrer
Chloe Ferrer

An Interview with the "Person of the Year"

By Kian Kalantar, TA student/Reporter

Ms. Setareh Mandegarian, the Pre ـ K teacher at ISSD was recognized as "Person of the Year" at the ISSD Nowruz program. I sat down with her and conducted a short interview. I hope you enjoy it.
Kian Kalantar ـ Student TA, reporter

KK ـ Why do you like teaching younger kids as opposed to older students?

SM ـ Because they are more fun and exciting! I feel like when I hang out with the students, they bring out the inner child in me and make me feel young too.

KK ـ What are some of the most rewarding moments you've experienced as a teacher in the classroom?

SM ـ When the kids finally write their name in Farsi, they start jumping up and down with excitement. It's just such a joyful and gratifying moment for both the students and I.

KK ـ Which subject is usually the hardest to teach?

SM ـ There's no subject that's especially hard for students to understand, as long as you make it interesting. If you just make it as a game, then they'll get excited about learning anything.

KK ـ How do you keep the children engaged and excited for the entire time in the class?

SM ـ I don't make it a class for them, I make it play ـ time! By making everything a song, dance, or game, they can have fun and learn at the same time.

KK ـ What gets you excited about teaching?

SM ـ Teaching is great because I also get to learn something from my students. Every time I go into the classroom, I'm just as prepared to learn as they are.

سیاست خارجی هر دمبیل

هابیل و قابیل

خوانندگان گرامی،
همان طور که در شماره های قبل به آگاهی رسید این صفحه را اختصاص داده ایم به برخورد دیدگاه های دو برادر خیالی با نام های هابیل و قابیل. این دو برادر از نظر سنی با یکدیگر دو سال اختلاف دارند و با وجود آن که در یک خانواده و یک نوع شرایط بزرگ شده اند، نقطه نظرهای متفاوت و حتی مخالف یکدیگر دارند. از آنها خواسته ایم که در هر شماره بحثی را مطرح کنند و نقطه نظرات خود را بگویند. ما بدون هیچ قضاوتی این دیدگاه ها را ارائه می کنیم و قضاوت را بر عهده شما می گذاریم. اگر خوانندگان گرامی نظری به طرفداری یا مخالفت با هر یک دارند می توانند نظر خود را، از طریق فرستادن ایمیل به آدرس پیک، با ما در میان بگذارند. گفتار این بار هم در رابطه با «سیاست خارجی» است.

قابیل: خب، رسیدن به خیر! اروپا خوش گذشت؟

هابیل: آره خیلی خوب بود. دور از این انتخابات مفتضحی که داشتیم من قدر اروپا را خیلی بیشتر می دونم.

قابیل: کجاها رفتی؟ فکر می کنم یه دو هفته ای طول کشید.

هابیل: یه خورده کمتر. ماموریت کاری بود. چند روزی بارسلون بودم و چند روز هم لندن.

قابیل: چه جالب پس موقع انتخابات انگلیس اونجا بودی.

هابیل: آره اونجا بودم. جالب تر این که موقع رفراندوم برگزیت هم اونجا بودم. خیلی مردم توی این یه سال و نیم عوض شدن. البته عامل مهم به نظر من نه تنها در اونجا بلکه در همه اروپا، روی کار اومدن ترامپ بوده. انگار مردم هوشیارتر شدن.

قابیل: انتخابات اینجا چه ربطی به اونجا داره؟ بعدش هم، چه تغییری پیدا شده؟ دوباره که حزب محافظه کار برنده شد.

هابیل: آره ولی به زور، اونم اکثریت نیاورد. یعنی حساب هایی که تریسا می واسه خودش می کرد همه غلط از کار دراومد. شرط می بندم اگه دوباره درباره برگزیت رای گیری کنن، محاله رای بیاره. انتخاب ترامپ درس عبرتی بوده واسه خیلی از مردم. یعنی در واقع ما جونشونو نجات دادیم. اونا باید سال ها ممنون ما باشن! تو فرانسه، تو هلند، تو اطریش مردم دیدن انتخاب پدیده هایی مث ترامپ چه فاجعه ای می تونه براشون باشه، سرعقل اومدن.

قابیل: من اینو قبول ندارم. شماها همه چیزو به هم ربط می دین و ازش می خواین اعتبار بگیرین. تو چون از ترامپ بدت می آد می خوای به همه بقبولونی که اونام باید اینجوری فکر کنن. ترامپ که هنوز کاری نکرده که اونا بخوان به قول تو درس آموزی کنن.

هابیل: ببین، خارج از آمریکا، ما رو همه یه پارچه می بینن. تقریبا بدون استثنا، هرجا می فهمیدن من از آمریکا اومدم یا با یه جور دلسوزی و ترحم نگام می کردن که انگار از بیافرا اومدم و یا با یه جور تنفر. بعضی هام یه جور با لبخند نگام می کردن که انگار یه مشنگ دیدن. یه خورده که سر صحبت وا می شد و بعد از اولین پاینت آبجو، شروع می کردن به سئوال کردن. بیشتر هم در این زمینه که یعنی این قدر مردم آمریکا خرن!؟ حالا هرچی هم توضیح می دم که آقا به پیر به پیغمبر ما بهش رای ندادیم، اصلن اکثر مردم آمریکا بهش رای ندادن، فایده نمی کرد. یکی دوجا گفتم اصلن کانادایی ام که ولم کنن.

قابیل: تو همیشه اغراق می کنی. از اون گذشته حتما اونام آدمایی ان که مث تو فکر می کنن، لیبرال و دمکرات هستن. تو که با همه مردم تماس نداشتی. توی این سال های اخیر توی همه کشورهای اروپایی محافظه کارا دس بالا رو گرفتن. سوسیال دمکراتا و چپ ها به اون صورت دیگه نیرویی نیستن.

هابیل: اصلن مسئله سوسیال دمکرات و محافظه کار نیس. آره من یه سال و نیم پیشم همونجا بودم. خیلی ها بودن که از هجوم مهاجرین و سیاست های

اتحادیه اروپا شکایت می کردن. آره خیلی ها از احزاب لیبرال و کارگری دور شده بودن چون فکر می کردن سیاست های اونا به نفع کشورشون نیست. آره قبول دارم که بعضی از سیاستمدارا و احزاب دست راستی، حتی افراطی و فاشیستی قدرت گرفته بودن ولی الان اونا آمریکا و ترامپ رو می بینن و می فهمن چی در انتظارشون می تونه باشه.

قابیل: خب حتما واسه این که که ترامپ می گه اون کشورها هم باید سهم خودشونو توی «ناتو» بدن. اگه قراره اتحادیه ای وجود داشته باشه چرا فقط آمریکا باید بارش رو بکشه. همه کشورها باید دو در صد از درآمد کل شون رو بدن. اونم واسه دفاع از خودشونه! ترامپ می گه اول آمریکا. از اول گفته بود من رئیس جمهور دنیا نیستم، من رییس جمهور آمریکام. خب اونا سال ها از بی عرضگی آمریکا استفاده کردن حالا زورشون می آد.

هابیل: من واقعا موندم که چطوری هنوز از این پدیده دفاع می کنی؟ اصلا مسئله به اونجاها و ناتو و غیره نمی کشه. ندیدی بعد از حمله تروریستی توی لندن به شهردار لندن چی نوشت؟ آخه کدوم آدم عاقلی این کار رو می کنه؟ رئیس جمهور بزرگترین کشور صنعتی و نظامی دنیا بیاد با توئیت در حد بچه های دبستانی با وقایع برخورد کنه. شاهکارش رو هم که توی سفر خارجی ش به خاورمیانه و اروپا نشون داد. از یه طرف مردم به اون و به ریش ما می خندن، از یه طرف دیگه به درستی ترسیدن، که این یارو نکنه با این سیاست های هردم بیلش دنیا رو به گند بکشه. یکی دیگه از شاهکارهاش در اومدن از پیمان پاریس بود. تو از اونم دفاع می کنی؟ یعنی در واقع آمریکا که دومین کشور آلوده کننده هواست، تنها کشوریه که در مقابل همه دنیا وایساده.

قابیل: منم با اومدن بیرون از قرار داد پاریس مخالفم ولی خوب اون همه ش توی کمپین گفته بود که اگه رییس جمهور شد آمریکا رو میاره بیرون. من فکر می کنم که سیاست هایی رو که مطرح می کنه واقعا می خواد به نفع آمریکا باشه. یعنی فکر می کنه پایبندی به قرارداد پاریس به ضرر صنایع آمریکا تموم می شه. منم موافقم که بعضی از صنایع باید تغییر پیدا کنن و ارزش بیشتری به حفظ محیط زیست داده بشه ولی شاید به تدریج. اون تجربه دیپلماتیک نداره واسه همین توی مجامع و توی عکس العمل هاش همین طوری یه چیزایی می گه و توئیت می کنه که بعضی وقتا به نظر منم اگر نمی کرد بهتر بود.

هابیل: خب اقلن خوبه که یه خورده انتقادی به قضیه داری نگاه می کنی. ببین عزیزم خانه از پای بست ویران است. مسئله یه توئیت اینجا و اونجا نیس. اینم که تجربه نداره و الابختکی یه کارایی می کنه من قبول ندارم. طرف یا ابلهه که در اون صورت لیاقت ریاست جمهوری رو نداره یا می دونه چه کار می کنه. هر دو صورت خطرناکه. این قضیه دخالت روسیه توی انتخابات و تماس های افراد نزدیک ترامپ رو دست کم نگیر! روسیه تونسته با کمترین خرج ممکن بزرگ ترین ضربه رو به آمریکا و غرب بزنه. یا ترامپ و اطرافیانش دست توی دست پوتین هستن ـ که وامصیبتا! ـ یا این که نیستن و پوتین از حماقت های اونا استفاده کرده. حتی اگه بگیم که روس ها توی اصل انتخابات هم دست نداشتن، اونا با این کارشون تونستن ضربه جانانه ای به «دمکراسی» و سیستم رهبری ناتو و غرب وارد کنن که با ده تا جنگ هم نمی تونستن. اصلن مسئله اوکراین و کریمه

فراموش شده و پوتین با کمترین زحمتی داره به ریش آمریکا و غرب می خنده.

قابیل: باور کن این قضیه روسیه واقعیت نداره و خبرگزاری ها الکی مردم رو سرکار گذاشتن. این کارشون رو هم خوب انجام دادن و می دن. با این کار باعث شدن که ترامپ نتونه سیاست هاشو پیش ببره چون همه توجه رو بیخودی به روسیه جلب کردن. اونا با این کارشون بزرگترین خدمت رو دارن به پوتین می کنن. اونان که به دمکراسی و سیستم غرب ضربه می زنن. امیدوارم که قضیه هرچی زودتر تر روشن بشه و بذارن کارای مملکت به جریان بیافته.

هابیل: بات کاملا توی این قضیه مخالفم. من فکر می کنم همین قضیه روسیه می تونه این دولت رو از هم بپاشونه. ولی بیا فعلا بزاریمش کنار، فقط واسه این که بهت ثابت کنم تا چه حد این سیاست ها، به خصوص سیاست های خارجی ماجراجویانه و هردم بیله و می تونه به راحتی یه جنگ تمام عیار دیگه راه بندازه و اوضاع دنیا رو بدتر کنه. توی سفر خاورمیانه اش دیدی چطوری خط عربستان سعودی رو دس گرفت؟ دیدی چطوری همه کشورهای منطقه رو علیه ایران بسیج کرد؟ دیدی چه تشنجی بر علیه قطر به راه انداخت؟ دیدی چطوری به مسئله اسرائیل و فلسطین برخورد کرد؟ توی اروپا و ناتو هم که قراره متحدین آمریکا باشن و به اصطلاح در مقابل روسیه وایسن رو هم که از هم پاشوند. یعنی نقش رهبری آمریکا رو به شدت زیر سئوال برد. هرچند توی اون هفت هشت روز که آمریکا نبود اوضاع اینجا آروم تر بود، ولی نشون داد که چقدر در سطح بین المللی می تونه خطرساز باشه. همونطور که قبلا هم گفتم انگار سکان کشتی رو دادن دس یه بچه هشت ساله لوس و ننر و یک آدم بزرگ هم دور و بر نیست که اونو کنترل کنه.

قابیل: این حرف رو نزن. یک عالمه افراد با تجربه سیاسی دور بر اون هستن. من فکر می کنم این تب و تاب بعد از انتخابات آروم می شه. قضیه روسیه و اون تئوری ها هم گندش در می آد ـ البته اگه لیبرال ها و خبرگزاری هایی که دنبال سوژه هستن بذارن! بعد بهت قول می دم وقتی کارهای عمرانی و بازسازی راه ها و سدها و فرودگاه ها شروع بشه و کار تولید بشه سر و صداها می خوابه. توی سیاست خارجی هم مطمئن باش این تلاطم ها فروکش می کنه. به هرحال اون کشورهای به اصطلاح دوست باید بدونن که آدم جدید و دولت جدیدی سرکاره که مسئولیت اولیه اش در مقابل مردم آمریکا و کسانیه که بهش رای دادن. باید صبور بود فقط شش ماه از عمر این دولت می گذره و سیاست های جدید اون وقت می خواد که جا بیافته.

هابیل: توی این شش ماه ببین چه گندی به سیستم داخلی و سیاست خارجی زده. مردم احساس ناامنی می کنن. نمی دونن چی پیش می آد. بعد از هشت سال دوران پرتلاطم جورج بوش با اون جنگ های احمقانه اش و با اون سقوط اقتصادی، مردم هشت سال در امنیت نسبی بودن و با اقتصاد روبه رشد اوباما سروکار داشتن. دیدن این پدیده که دستی دستی همه چیز رو به طرز ابلهانه ای داره تخریب می کنه دردناکه. از همه بدتر این جمهوریخواه های کنگره هسن. اگه من قبلا یه خورده واسه بعضی از اونا احترام قایل بودم اونم از دس دادم. اونا نشون دادن چه آدمای زبون و بی جربزه ای هستن که منافع حزب خودشون رو هرچند که داره کشور رو به پرتگاه می بره به منافع مردم و کل کشور ترجیح می دن. در حالی که اکثریت هاوس و سنا رو هم دارن و می تونن نقش آدم بزرگ و فهمیده رو توی این وانفسا بازی کنن، ولی دست بسته خودشون رو در اختیار ترامپ گذاشتن و کارای عجیب و غریب اونو حمایت می کنن. این رو هم بهت بگم که من فکر می کنم این روشی که دولت ترامپ در پیش گرفته خودش خودشو داغون می کنه و احتیاج به کمک کسی نداره!

قابیل: من بهت توصیه می کنم که این قدر آتیشی نشی و وقت بدی اوضاع خودش جا بیافته. حالا به فرض اینکه ترامپ هم بره کنار ـ که البته به نظر من محاله – مایک پنس می آد سرکار. آیا با اون راحت تری؟ یا اگه اونم نه، پاول رایان چطور؟ من می دونم هنوز برات سخته که باور کنی که انتخابات رو باختین ولی با این شرایط باید عادت کنی و اینقدر جوش نزنی.

هابیل: اصلن وقت و جای راحت نشستن نیس! همین فشارها، همین تظاهرات ها و همین فشار روی اعضای کنگره باعث شده که این سیاست های راست افراطی مث لغو اوباماکر و یا جلوگیری از ورود مسلمونا و ..... فعلا نتونه عملی بشه. فشار رو یه لحظه هم نباید قطع کرد. اون نماینده ها وقتی می بینن انتخاب مجدد شون به خطر می افته، ممکنه یه کاری بکنن. خیلی از اونا توی انتخابات میون دوره ای ۲۰۱۸ پا در هوا هستن. اصلا نباید فشار رو کم کرد. چه از لحاظ حمایت از مطبوعات و خبررسانی های درست در مقابل دروغ و چه با تظاهرات و شرکت در میتینگ های نمایندگان کنگره و مسئولین مملکتی.

آآدت نمی‌کنیم

کارگردان : ابراهیم ابراهیمیان

سال تولید: ۱۳۹۵

«آدت نمی کنیم» اولین فیلم بلند ابراهیم ابراهیمیان است که در جشنواره فجر سال گذشته بسیار مورد توجه قرار گرفت. اولین نکته ای که درباره فیلم حائز اهمیت بود همکاری چندین بازیگر خوب سینما ـ هدیه تهرانی، محمد رضا فروتن، و ساره بیات – با این پروژه بود که نوید فیلمی با فیلمنامه ای خوب را می داد. و مورد دوم تم «شک» در فیلم بود: در سال های اخیر سینما ایران، توجه بسیار زیادی به موضوع شک شده است و رفته رفته این تم یکی از پر طرفدارترین تم های سینمای داستانی شده است. زمانی که فیلم «آدت نمی کنیم» به نمایش در آمد، خیلی از سینماگران و منتقدان عقیده داشتند که فیلم بسیار شبیه سینمای اصغر فرهادی است که به نظر من این یکی از سطحی ترین مشکلات فیلم است. قرار دادن الگوی فرهادی، پدیده جدیدی در سینمای ما نیست و سال ها است که فیلم های یک شکل و معمولی در این سینما تولید می شود. این الگو عمدتا به این شکل است: داستانی معماگونه و پیچ در پیچ با رازهای بسیار که به سبک و سیاق بسیاری از درام های خانوادگی رایج در سال های اخیر «سوتفاهم» و «دروغ» مضمون اصلی و اولیه اش را شکل می دهند و هسته مرکزی داستان «خیانت» است. بزرگ ترین اشتباه فیلمسازان ایرانی در الگو برداشتن از فرهادی، نشناختن و درک نکردن فیلمنامه نویسی او است. نکته ای که سینمای فرهادی را از سایرین متمایز می سازد، داستان های پیچیده نیست، بلکه شکل گیری شخصیت های کامل و دارای شناسنامه در پس معماهای فیلمنامه است. این شخصیت پردازی نادرست و غلط نه تنها اساسی ترین مشکل فیلم «آدت نمی کنیم» است بلکه بنیادی ترین مشکل فیلم هایی است که محصول سینمای تحت تاثیر اصغر فرهادی است. به این شکل، اغلب این فیلم ها، «شخصیت»های هویت دار تولید نمی کنند، بلکه «تیپ»هایی با مشخصات تکراری تولید می کنند که برای بیننده جذابیت ویژه ای در پی نخواهد داشت. اما در مورد «آدت نمی کنیم» بزرگ ترین ایراد، قابل پیش بینی بودن، فقدان خلاقیت و تکراری بودنش است که آن را به جای پیروی به تقلید و حتی تقلب هایی غیرهوشمندانه از آثار فرهادی نزدیک می سازد.

فیلم با سوءظن زن داستان نسبت به همسرش آغاز می شود و این اتهام زمانی شکلی جدی و خطرناک به خود می گیرد که دختر مورد سوءظن به شکل مشکوکی می میرد. ایده اولیه فیلمنامه خوب و جذاب است و از دل آن می تواند داستانی پررمز و راز و تعلیق آمیز بیرون بیاید. داستان با شروعی خوب و پرنفس آغاز می شود، اما انفعال شخصیت مرد (با بازی محمد رضا فروتن) منجر به آن می شود که فیلمساز نتواند آن قدر که انتظار می رود به هدف خود دست یابد. در «آدت نمی کنیم» ابراهیمیان نتوانسته است علل برخی رفتارهای شخصیت هایش را تعریف کند و به همین جهت فیلمنامه و کنش شخصیت ها در برخی بخش ها لنگی هایی دارد. به عنوان مثال، چرا شخصیت مرد داستان در مقابل سوءظن و افترای زنش سکوت می کند؟ چرا حتی وقتی وکیل مدافعش از او می خواهد که حقیقت را بگوید باز هم جوری رفتار می کند که انگار واقعاً مقصر است؟ سکوت های طولانی و بی حاصل شخصیت مرد بی دلیل وغیر قابل باور است که منجر به حس تعلیق در فیلم می شود. در پایان فیلم نیز، چون ما به هیچ عنوان جوابی منطقی برای این سکوت ها پیدا نمی کنیم، به تدریج منطق خط داستان و واکاوی شخصیت ها را رها می کنیم. بدین ترتیب، ساختن چنین فضاهایی که مخاطب با سیلی از سئوال های بی جواب مواجه می شود نه تنها حس کنجکاوی را بر نمی انگیزد بلکه کلیت داستان را بی منطق جلوه می دهد. اگر در سینمای فرهادی ما با سیلی از گره های کور و سئوال های بی منطق روبرو می شویم، در پایان جواب های متقاعد کننده ای می گیریم، اما در «آدت نمی کنیم» ما به پاسخ بسیاری از پرسش ها نمی رسیم و یا این که با یافتن جواب ها به هیچ عنوان متقاعد نمی شویم.

به جز شخصیت مرد، دیگر کاراکترهای فیلم باورپذیرتر و ملموس از آب درآمده اند. به عنوان نمونه، شخصیت زن داستان (با بازی ساره بیات) بسیار قابل قبول و باور پذیر است. او به عنوانی زنی که زندگی خود را در خطر می بیند، حسادت ها و حساسیت های زنانه را به خوبی به تصویر کشیده است. در یکی از سکانس ها که با دختر مورد سوءظن روبرو می شود، بیات بازی بسیار درخشانی کرده است. ترکیب خشمی که نسبت به این دختر دارد و درعین حال دروغی که جلوی استاد دانشگاه ـ که رئیس همسرش محسوب می‌شود ـ می‌گوید، پیچیدگی های زنانه اش را به خوبی نشان می دهد. در مقابل بی روح بودن مرد، زن به طرز وسواس گونه ای به همه چیز شک دارد به طوری که این سوءظن شکلی افراطی به خود می گیرد. شخصیت زن پیچیدگی های خودش را دارد و ابراهیمیان به خوبی این پیچیدگی را نشان می دهد: زن عشقی عمیق به همسرش دارد، آن قدر که به خاطرش بلوا به پا می کند، اما در مقابل با او می جنگد و باورش نمی کند و گاه طوری برخورد می کند که گویی از او متنفر شده است. محمد رضا فروتن بازی بی روحی از خود ارائه داده است اما بدیهی است وقتی که شخصیتی در فیلمنامه درنیامده باشد، نمی تواند روی پرده هم به درستی جان بگیرد و توسط بازیگر خوب و باورپذیر اجرا شود. هدیه تهرانی و حمید رضا آذرنگ نیز که نقش های مکمل را بازی می کنند بسیاری از سکانس های فیلم خوب هستند به ویژه آذرنگ که غافلگیری آخر فیلم حاصل بازی هوشمندانه او است.

از ویژگی های مثبت «آدت نمی کنیم» طراحی صحنه و لباس و نور است. فضای سرد، تنالیته رنگ آبی و کم نوری محیط ها، همگی نشان از سردی روابط میان اعضای خانواده (دو زوج اصلی فیلم) دارد. در نیمه دوم فیلم، زن با بستن نورگیر روی پنجره تنها راه نفوذ نور را به اتاق می بندد و خانه را از کوچکترین نور و گرمایی محروم می سازد. همین اقدام او، مقدمه ای برای وارد شدن به پوچی است. استفاده مکرر از رنگ های آبی و قهوه ای و گاهی سبز (چه در دکور خانه ها و چه در لباس شخصیت ها) مدام بر بی روحی فضا، غم داستان، و سردی آدم ها تاکید می کند. در پایان «آدت نمی کنیم» با همه کاستی هایش یکی از فیلم های نسبتا خوب جشنواره سال گذشته بود که عمیقا تحت تأثیر سینمای فرهادی ساخته شده است و با این حال توانست نظر مخاطبین را جلب کند.

شاعری که عکاس شد

علی معتمدی

هِنگ کی کوئِنتجورو (Hengki Koentjoro) بیشتر از این که عکاس خوبی باشد، یک شاعر است. تنها شعرهایش شکل و تصویری حقیقی گرفته اند. کمتر عکسی دارد که نتوانی روی آن مکثی طولانی کنی یا نخواهی که برگردی تا دوباره و دوباره تماشایش کنی. برای جذب شدن به کارهایش «رنگ» ـ به آن معنا که معمولا می شناسیم ـ نیازی نیست. دریای وسیعی از رنگ ها، تنها بین سیاه و سفید هایش موج می زند. «سیاه ـ سفید» و «هست ـ نیست» جوهره داستان عکس های کوئِنتجورو است و این داستان از دل سیاهی به سفیدی و برعکس در حرکت است. به نظر می آید که فلسفه چینی یین ـ یانگ (Yang ـ Yin)، که همبستگی نیروهای خیر و شر را در طبیعت روایت می کند، سرچشمه الهام او است.

کوئِنتجورو اهل اندونزی است و در کالیفرنیای آمریکا در دوره عکاسی تحصیل کرده است. تاثیر محل زندگی و طبیعت بکر و زیبای جنوب شرق آسیا در کارهایش به وضوح دیده می شود. سکوت، خلوت، تنهایی، آشتی با سرشت خلقت و بازگشت به ریشه های حقیقی، دوباره کودک شدن و همیشه کودک ماندن و حتی یگانگی و فلسفه وحدت وجود موضوع های مورد علاقه عکاس است. بدون این که عکاس را دیده باشیم، به راحتی می توانیم شرط ببندیم که با شعر و عرفان بزرگ شده است.

او در کارهایش از تکنیک نوردهی طولانی (long exposure) بسیار هنرمندانه بهره برده است و در اکثر کارهایی که از طبیعت گرفته خطوطی باریک، دقیق و سرنوشت ساز ایجاد کرده است. به نظر می آید که نور عکس هایش طبیعی و دست کاری نشده و نورهای ساختگی در کارهایش جایی نداشته باشند.

«شاید کودکی دوره کوتاهی از زندگی نیست و هنوز تمام نشده است. شاید برای هیچ کس آن قدر دیر نشده که به کودکی برگردد...» اینها را در مجموعه ای از کارهایش به نام بازی آزاد (Free Play) می گوید. این مجموعه در گالری عکس هایش دیدنی است. شنای چند کودک را به زیبایی عکاسی کرده است و با انتخاب زاویه ای متفاوت در زیر آب، این فرصت را به بیننده عکس داده است که برای چند لحظه با آنها هم بازی شود. اگرچه عکس ها سیاه و سفید هستند و چهره و هویت بچه های شناگر قابل تشخیص نیست، تنها با دیدن عکس ها، می توانیم قطرات آب را روی صورت مان حس کنیم. شاید بتوان گفت که این مجموعه، زنده ترین و شاداب ترین قسمت از کارهای هِنگ کی کوئِنتجورو است.

اطلاعات محل زندگی و تحصیل عکاس برگرفته از مصاحبه ذیل است:

http://ndmagazine.net/hengki_koentjoro/

برای مطالب و عکس های بیشتر به کانال Persianlikes در اینستاگرام و تلگرام مراجعه کنید

https://www.instagram.com/persianlikes/tlgrm.me/Persianlikes

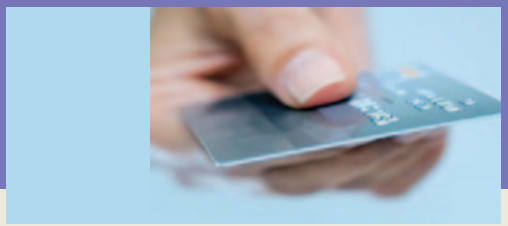

آشنایی با اصطلاحات مربوط به کارت های اعتباری

آرین اقبالی

توصیه هایی در مورد کردیت کارتهای همسران قبل از دریافت وام

۱. هر دو نفر (زن و شوهر) کردیت کارت بگیرید تا در زمان دریافت وام مسکن، یکی از شما co-signer دیگری شود.

۲. ترجیحاً از دو بانک متفاوت کارت اعتباری بگیرید.

۳. گرفتن تعداد زیاد کردیت کارت توصیه نمی شود.

۴. حتماً کارت اعتباری تان از نوع Unsecure باشد (Secure کارت یعنی کارتی که با پول خودتان به شما داده می شود. به عنوان مثال بانک ۲۰۰۰ دلار از پول خودتان را بلوکه کرده و در ازای آن به همان مقدار به شما کردیت کارت می دهد). داشتن این نوع کردیت کارت تا زمانی که تبدیل به Unsecure نشده باشد، برای هیچ کدام از شما جهت دریافت وام های گوناگون نفع چندانی ندارد.

۵. در صورت امکان به صورت مداوم کردیت اسکور (امتیاز اعتباری) خود را چک نکنید و یا اجازه ندهید که اشخاص حقوقی هم این کار را انجام دهند چون به ازای هر بار چک کردن یا Run شدن کردیت شما، مقداری امتیاز یا اسکور از دست خواهید داد. در ضمن در تاریخچه اعتباری (کردیت هیستوری) شما نیز به مدت ۲ سال باقی خواهد ماند.

۶. اصراری روی افزایش مبلغ کردیت کارت هایتان نداشته باشید بلکه سعی کنید تا امتیاز اعتباری (کردیت اسکور) خود را جهت دریافت لاین آف کردیت بالا ببرید.

۷. به صورت مداوم و ماهیانه از کردیت کارت هایتان استفاده نمایید ولی هیچ وقت بیش از ٪۶۰ کردیت خود را استفاده ننمایید.

۸. چون ۱۰ روز آخر ماه حساب ها جمع می شود سعی کنید در دهه ی سوم ماه، حداقل بدهی را داشته باشید و همیشه کمی بیشتر از میزان صورتحساب خود را بپردازید.

۹. ساختن و داشتن کردیت خوب در هنگام خرید مسکن و گرفتن وام نقش اساسی را برای هر دوی شما ایفا می کند.

۱۰. سابقه ای که با کارت های اعتباری سایر کشورها به دست آمده در آمریکا ارزشی ندارد. به عنوان مثال اگر چندین سال است که مستر کارت اروپا را دارید و با آن کار کرده اید و سابقه ی خوبی ساخته اید بایستی به اطلاعتان برسانم که این سابقه برای گرفتن وام به درد نمی خورد و فقط سابقه ی شما با بانک های آمریکایی در نظر گرفته می شود.

انجمن دوستداران کتاب سن دیگو

گزارش گردهمایی های انجمن دوستداران کتاب

گردهمایی های انجمن دوستداران کتاب سن دیگو در بیست و هشتم آوریل و بیست و هفتم می ۲۰۱۷ برگزار گردید.

بحث اصلی گردهمایی ماه آوریل، داستان جای خالی سلوچ، نوشته محمود دولت آبادی و در گردهمایی ماه می، داستان سال بلوا، نوشته عباس معروفی بود که مورد بحث و بررسی شرکت کنندگان قرار گرفت. در این دو گردهمایی کتاب های دیگر نیز معرفی شدند:

- زنگ ها برای که به صدا درمی آیند، اثر ارنست همینگوی
- بابا گوریو، اثر آندری دو بالزاک
- پاییز فصل آخر سال است، نوشته نسیم مرعشی
- وودی آلن از زبان وودی آلن، نوشته استیگ بیورکمن، ترجمه هوشنگ حسامی
- Flowers for Algernon by Daniel Keyes – A 1959 science fiction story
- خاطره های پراکنده، نوشته گلی ترقی
- حاجی در فرنگ، نوشته جعفر شهری
- Tales of Love and Despair: Men In Love in Revolutionary Iran by Mahnaz Kousha
- زندگی امیر کبیر، نوشته فرید حامد ـ انتشارات ارژنگ (کتاب گویا)

گردهمایی انجمن دوست داران کتاب در شنبه آخر هر ماه در مرکز ایرانیان سن دیگو برگزار می شود. شرکت برای همگان آزاد و رایگان است.

www.pccus.org

در شهر چه خبر

کانون فرهنگی ایرانیان: تلفن۹۳۵۵ ـ۵۵۲ (۸۵۸)

آدرس مرکز ایرانیان: IAC
6790 Top Gun St. #7
San Diego, CA 92121

کلاس های نویسندگی
با آقای حسین مرتضاییان آبکنار
از ۱۷ ـ ۲۱ جولای از ساعت ۹ ـ ۶ در مرکز ایرانیان
تلفن تماس:۵۵۹۳ ـ ۵۵۲ ـ ۸۵۸

تصنیف خوانی با کورش تقوی
شنبه ۲۵ آگوست ۲۰۱۷ ساعت ۷ بعد از ظهر
تلفن تماس: ۹۳۵۵ ـ ۵۵۲ ـ ۸۵۸

جُنگ فرهنگی
دومین جمعه هر ماه در ساعت ۷:۳۰ شب در مرکز ایرانیان
جمعه ۱۴جولای و ۱۱ آگوست در مرکز ایرانیان، مجری برنامه رضا خبازیان و علی صدر

گروه فیلم و گفتگو
اولین هفته هر ماه در مرکز ایرانیان،
در محل مرکز ایرانیان

داکیونایت
اولین چهارشنبه هر ماه در ساعت ۷ شب در مرکز ایرانیان
۵ جولای و ۲ آگوست ۲۰۱۷

نمایشگاه نقاشی
در مرکز ایرانیان دوشنبه تا جمعه از ساعت ۹ صبح تا ۳ بعد از ظهر

آموزش سه تار زیر نظر کورش تقوی تلفن: ۷۱۷ـ۶۳۸۹ (۸۵۸)
آموزش تنبک زیر نظر میلاد جهادی تلفن: ۷۳۵ـ۹۶۳۴ (۸۵۸)
آموزش پیانو زیر نظر فرید افشاری تلفن: ۳۴۹ـ۱۹۱۳ (۸۵۸)

مدرسه ایرانیان سن دیگو ۹۳۵۵ ـ۵۵۲ (۸۵۸)

ثبت نام شعبه ۱
یکشنبه ۲۷ آگوست
از ساعت ۰۹:۳۰ تا ۱۲ ظهر در مدرسه ایرانیان

ثبت نام شعبه ۲
پنجشنبه ۳۱ آگوست
از ساعت ۶ تا ۸ بعد از ظهر در مدرسه ایرانیان

کلاس ها: شعبه ۱ یکشنبه ها از ساعت ۰۹:۳۰ تا ۱۲ ظهر
کلاس ها: شعبه ۲ پنجشنبه ها از ساعت ۶ تا ۸ بعد از ظهر
Mt. Carmel High School
9550 Carmel Mountain Road, San Diego, CA 92129
For more information: 858 552 9355

برای درج آگهی لطفاً با تلفن ۹۳۵۵ ـ ۵۵۲(۸۵۸) تماس بگیرید

پیک

نشریه کانون فرهنگی ایرانیان هر دو ماه یکبار منتشر می شود
نظرات مطرح شده در مقالات، الزاما نظر هیات مدیره کانون نیست.
و پیک در رد و قبول و یا حک و اصلاح مطالب وارده آزاد است.
با ما به نشانی زیر مکاتبه فرمایید.

6790 Top Gun St. #7, San Diego, CA 92121
Tel (858) 552-9355 • Fax (619) 374-7335
Email: pcc@pccsd.org

کانون فرهنگی ایرانیان برای جلوگیری از هرگونه سوء تفاهم، فقط به انتشار اخباری برای نشریه آینده (شماره ۱۷۱) مبادرت می ورزد که متن آن از طریق فکس تا ۳۱ آگوست به وسیله ارگانهای غیر انتفاعی در اختیار این دفتر قرار بگیرد.

سازمان بورس تحصیلی دانشجویان ایرانی ـ آمریکایی

تلفن ۹۳۵۵ ـ۵۵۲ (۸۵۸) www.iasfund.org

خیریه یک دلار در ماه ۹۳۵۵ ـ۵۵۲ (۸۵۸)

Tel: 858 552 9355 • www.dmfund.org
P.O. Box 500923, San Diego, CA 92150
www.facebook.com/DollaraMonthFund

از ساعت ۱۰ صبح تا ۱ بعد از ظهر ۸۵۸ـ۵۵۲ـ۹۳۵۵

انجمن متخصصین: ۶۲۳۲ ـ۲۰۷ (۸۵۸) AIAP

جلسات آخرین چهارشنبه هر ماه در محل تالار صوفی www.aiap.org

انجمن دانشجویی ایستا: www.istaucsd.org

ISTA (Iranian STudent Association at UC San Diego)

بنیاد فرهنگی مهرگان: ۷۰۰۰ ـ ۶۷۳ (۸۵۸)

جلسات ماهیانه یکشنبه اول هر ماه www.mehrganfoundation.org

خانه ایران: www.thehouseofiran.com

یکشنبه ها از ساعت ۱۲ تا ۴ بعدازظهر. بلبوا پارک

پایا PAAIA www.paaia.www.paaia.org

Public Affairs Alliance of Iranian American

نایاک NIAC www.niac.org

National Iranian American Councel

موزه هنر سن دیگو San Diego Museum of Art

www.TheSanDiegoMuseumofArt.org
facebook: San Diego Museum of Art
7931 ـ twitter: @SDMA • Tel: (619) 232

انجمن دوست داران کتاب آخرین شنبه هر ماه

Iranian ـAmerican Center (IAC)
6790 Top Gun St. #7, San Diego, CA 92121
Tel (858) 552 9355 ـ

داکیونایت اولین چهارشنبه هر ماه DOCUNIGHT

First Wednesday of the month
at the Iranian ـ American Center (IAC) at 7 pm
Documentary films about Iran or by Iranians
www.docunight.com

شبکه ایرانی ـ آمریکایی علوم زیستی

www.ialsn.org

ادامه از صفحه ۱۰

معرفی و نقد کتاب

می کند. وقتی بنزین تمام می کنند و به نزدیک مرز می رسند، مرد عینکی با سراج همراه می شود. سراج می بیند که مرد عینکی سم درآورده و ناخن هایش مثل جن هاست و انگشتانش به هم وصل هستند و صدایش عوض شده و کم کم دوجنسیتی می شود. مرد عینکی که نامش چمسک است در دوجنسیتی خود اسیر شده و عاجزانه از سراج می خواهد تا به ازای دریافت سنگی قیمتی، او را در مرز بین دو کشور با اسلحه به قتل برساند، اما سراج تن به این کار نمی دهد هر چند که خود به مرض واگیردار مرد عینکی که شب ها عود می کند مبتلا می شود.

در داستان بسیار کوتاه «یک شب دیگر»، مردی در ظاهر روبروی شومینه نشسته و بازی کامپیوتری غول، دوشیزه و گربه را می بیند. دستی از لای درز در پاره کاغذی به اومی رساند. مرد نوشته را می خواند و قبل از خواب کاغذ را در شومینه می سوزاند. بازی آن چیزی است که پررنگ دیده می شود، در حالی که آنچه مهم است همان پاره کاغذ است. در انتها گربه از تلویزیون بیرون آمده و روی پای مرد می نشیند.

در «امیلیانو حسن» دو نفر وارد هتل می شوند و عکس شخصی را نشان می دهند که در همان هتل اقامت دارد و بی محابا اعلام می کنند که می خواهند او را بکشند. مسئول پذیرش هتل آنها را به اتاق شخص راهنمایی می کند. وقتی در می زنند امیلیانو حسن در را باز می کند و خبر از مردن همان شخص در رختخواب می دهد. اما آن دو نفر برای این که ماموریت خود را انجام داده باشند به سر مرده شلیک می کنند. نام این داستان و محتوای آن می تواند خواننده را به یاد سانتیاگو ناصر در «گزارش یک مرگ» بیندازد.

«چوب خشک بلوط» قصه پدری پیر در ایل است که دیگر امیدی به زنده بودنش ندارند و پسر بزرگش، با قساوتِ قلب، او را چون چوب خشکی پای درختی می گذارد تا به مرور توان از دست داده و بمیرد، اما نوه اش به کمکش می آید تا نجاتش می دهد. این قصه تنها داستان ایلیاتی این مجموعه است.
«اتفاقی نمی افتد» سرگذشت مرد پناهنده ای است که مدت ها زندانی و زیر شکنجه بوده است. شکنجه گرش او را خرچنگ صدا می کرده چون از شدت شکنجه نمی توانسته روی پاهایش راه برود؛ و همیشه برای حرکت کردن از آرنج ها و زانوانش کمک می گرفته. او در هایم زندگی کرده اما مدتی است به آپارتمان مشرف بر پل رودخانه منتقل شده و هر روز مرد مشکوکی را کنار پل می بیند. پیش او می رود تا به بهانه گرفتن آدرس و یا تنه زدن وعذرخواهی، بداند ایرانی است یا نه. او غرق در افکارش، مرد مشکوک را گم می کند. مرد مشکوک برایش نامه ای می فرستد. این مرد همان شکنجه گر او است که بعد از سال ها آمده تا دریابد چرا در زندان اقدام به خودکشی کرده و وسیله خودکشی را از کجا پیدا کرده و یا چه کسی در اختیارش گذاشته است.

دولت آبادی می گوید: «هر کدام از این داستان ها یک قلنج ذهنی برای من بوده که باید جوری آن را باز می کردم. به همین جهت هم از نوشتن شان دچار خستگی عجیبی شدم.» او می گوید:« در تعریف هایی که منتقدین آورده اند، داستان کوتاه عبارت است از داستانی که در یک نشست بشود خواندش، اما تعریف من سوا از این است: داستان کوتاه عبارت از داستانی است که در یک نفس بشود آن را نوشت.» «بنی آدم جامع ترین اسم است برای این قصه ها، چون قصه ها می خواهند بگویند این اشخاص آدم هستند و بیشتر این که آدمیزاد بوده اند!»

جدول ۱۷۰

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱									■						
۲				■							■				
۳					■			■				■			
۴							■						■		
۵	■	■			■					■				■	
۶						■					■				
۷									■			■			
۸				■				■					■		
۹							■							■	
۱۰					■					■					
۱۱	■					■					■			■	■
۱۲									■			■			
۱۳				■				■					■		
۱۴					■										
۱۵							■								

افقی

۱ ـ سلسله کوچک محلی که در خراسان آخرین ضربه را به فرمانروایان مغول در ایران وارد آوردند ـ برای کاربرد در ارتفاعات استفاده می شود ۲ـ بهترین نوع اختیار ـ از شهرهای بزرگ کشور «روسیه» ـ محصول نخلستان ۳ـ چهار من تبریز ـ آبزی خطرناک دریاها ـ کیسه حمام ـ برج فانوس دریایی ۴ـ پلیس آلمان هیتلری ـ پاردم زین اسب ـ لقب پادشاهان پیشدادیان ۵ـ چین و شکن پوستی ـ خلاصه، برگزیده ـ محصول آب و صابون ۶ـ گروه محافظان ویژه ـ قلعه بالای کوه ـ پرهیزگار ۷ـ یخ حرارت دیده ـ پیدا کردنش سخت است ـ داوطلب برای انجام کاری ۸ـ کشت غیر آبی ـ شهد است و نامی دخترانه ـ راحت تر از صندلی ـ سریع و فوری ۹ـ برعکس ـ اعمال حج ـ من و تو ۱۰ـ کشوری در اروپا مرکز آن «ریگا» ـ محصول قمصر کاشان ـ سهل و راحت ۱۱ـ آخرین عدد یک رقمی ـ کار و هنر شاعرانه ـ بی فکر و ابله ۱۳ـ نمد زین ـ قیمت و ارزش ـ تولید کننده ـ حرف تردید ۱۴ـ از عشاق داستانی ـ عمده فروشی کالای خاص ـ تکه پارچه کهنه ۱۵ـ برای رسیدن به هدفی، مشقت دیدن، تمرین کردن ـ شاخه ای از شیمی.

عمودی

۱ ـ عظیم الجثه ـ عنصر شیمیایی فلزی با عدد اتمی شصت و چهار ۲ـ حکومت دوران «هیتلر» ـ خانه های شعری ـ حشرات کوچک زهردار ۳ـ صدایی در موسیقی ـ ماه شلیک شدنی ـ رواج دهنده ـ سطح بیرونی بنا ۴ـ از ملزومات نقاشی ساختمان ـ الهه عشق و زیبایی روم باستان ـ به فرو رفتگی سطوح فلزی گفته می شود ۵ـ قاره ای که بیابان ندارد ـ بیان توضیحی درباره یک واژه یا عبارت ـ عصاره گوجه فرنگی ۶ـ نویسنده و فیلسوف فرانسوی «امیل» ـ واحد شمارش برنج ـ بخشش خداوند ۷ـ ریشه گیاه شیرین بیان ـ بسیار شفاف ـ از واحدهای نظامی ۸ـ الفبای موسیقی ـ ساز ابزار زهی که با کمانچه می نوازند ـ رنگارنگ ـ خمره بزرگ شیشه ای ۹ـ هنگام تولد ـ از بت های عهد جاهلیت ـ زمان مشخص ۱۰ـ گنج زیر خاکی ـ گوشت بریان شده ـ یک پای ثابت کاست ضبط صدا ۱۱ـ شیر دریایی ـ واحد محاسبه مکالمات تلفنی ـ راهی برای رفت و آمد حیوانات اهلی ۱۲ـ قلعه شطرنج ـ روز آینده ـ واحد شمارش جگر ـ گام یک پا ۱۴ـ ماهی فروش ـ هنری که صنعت شده است ـ ضربات آهنگ موسیقی ۱۵ـ کتاب راجع به زندگی پیامبران ـ هوشیار.

حل جدول ۱۶۹

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	س	ا	د	ه	■	ا	خ	ر	ا	ج	■	ب	ر	ن	ا
۲	م	ک	ر	ن	■	ک	ر	ی	م	ا	■	ا	و		م
۳	ا	ب	ا	د	■	ب	د	ا	ی	ت	■	ز	ا	ی	ر
۴	ک	ر	م	ا	ن	■	س	ن	د	■	م	ا	ج	ر	ا
۵	■	■	■	ن	ی	م	ا	■	ب	ا	س	ر	■	■	■
۶	ا	د	ا	■	و	ص	ل	■	خ	م	ی	■	ع	م	ه
۷	ب	ر	د	ب	ا	ر	ی	■	ش	ا	د	م	ا	ن	ی
۸	ش	ا	ی	ق	■	■	■	■	■	■	■	ح	ر	ا	م
۹	ا	ز	ا	ر	ب	ن	د	■	ب	ا	د	ب	ی	ز	ن
۱۰	ر	ا	ن	■	ا	ی	ر	■	ی	ز	ک	■	ت	ل	ه
۱۱	■	■	■	ب	ل	ا	د	■	د	ا	م	ن	■	■	■
۱۲	ا	ر	م	ا	ه	■	م	ر	گ	■	ه	ا	ر	و	ن
۱۳	م	و	ن	س	■	د	ن	ا	ی	ت	■	د	ا	ه	ی
۱۴	ل	ی	ب	ی	■	ر	د	ی	ا	ب	■	ا	ی	ا	م
۱۵	ج	ا	ع	ل	■	س	ی	ا	ه	ا	■	ن	ا	ل	ه